

ویژه فلسطین * ویژه فلسطین * ویژه فلسطین * ویژه جنایتی که فراموش نخواهد شد! و "شلیک به تنگ ماهی" ناپلئون اسرائیل، ارزنگ بامشاد



تایمز: روی بمب های فسفری به روشنی علامت مخصوص بمب های ساخت آمریکا
بقیه در صفحه



بقیه در صفحه

پیامک پزشک نروژی: مرگ، خون، قطع و دست و پا...



دکتر ماتس گیلبرت

بقیه در صفحه

کشتارهای غزه،

ادامه منطقی سیاست های اسرائیل است
بهورز عارفی

کشتار مردم غزه تجسم جنون و بربریت!

تقی روزبه

هرگز نباید بین جنبش ویا سازمان های اسلامی وتوده های مردم علامت تساوی گذاشت. یکسان پنداشتن آندومی تواند به خطای بزرگی منجر شود. مردم واکنش آن همواره از واقعیت های زمینی حرکت می کنند و بنیادگرایان از فرامین آسمانی. حتا وقتی که عموما مردم تحت شرایط معینی تن به مذهب می سپرند ویا به ناسیونالیسم متوسل می شوند. غالبا به آن همچون وسیله ای برای رهایی ونجات از مخصمه نگاه می کنند و نه هم چون اهدافی مقدس وازلی وابدی وتغییرناپذیر.

بقیه در صفحه

گسترش اعتراض جهانی به کشتار در غزه! گزارش تظاهرات شنبه در کشورهای غربی

بقیه در صفحه

کرنش اتحادیه اروپا در مقابل اسرائیل

بقیه در صفحه

آلن گرش

جنایتی که فراموش نخواهد شد!

ارزنگ بامشاد



روزهای متمادی است که دولت اسرائیل با بی رحمی تمام بر سر یک و نیم میلیون بچه و زن و مرد و پیر و جوان فلسطینی در نوار غزه بمب و موشک و گلوله های توپ و تفنگ می ریزد. تنبیه جمعی مردمی که یک سال در محاصره ی کامل غذایی و دارویی و سوخت قرار داشته اند، اکنون ابعاد بشدت جنایت کارانه ای بخود گرفته است. دولت تجاوزگر اسرائیل در این حملات وحشیانه و فاشیستی از بمب های مدرنی استفاده می کند که بدن قربانی را تیکه تیکه می کنند. بدن های تیکه پاره شده کودکان مجروح وقتی به بیمارستان ها می رسند، پزشکان بیمارستان های فاقد امکانات را در وضعیتی بحرانی قرار می دهد. وضعیتی که مرگ زنان و کودکان به شدت مجروح را به چشم می بیند، بدون آنکه بتوانند کمکی به آن ها بکنند. اوج جنایت در تنبیه جمعی فلسطینی های زمانی روشن تر می شود که حتی بیمارستان ها و مدارس تحت کنترل سازمان ملل هم از سوی اسرائیل هدف های نظامی تلقی شده و هدف بمب و موشک قرار می گیرند.

دولت اسرائیل و متحدش آمریکا و بسیاری از رسانه های وابسته، این تهاجم را پاسخی به موشک باران های حماس می دانند. روشن است که این استدلال تنها بهانه ای برای آغاز عملیات هستند وگر نه این اسرائیل بود که به تعهدات آتش بس شش ماهه متعهد نماند و علیرغم پذیرش بازگشایی گذرگاه های نوار غزه ، این گذرگاه ها در تمامی طول شش ماه بسته نگهداشت و حتی بر دولت مصر هم فشار آورد تا تنها گذرگاه موجود با این کشور را ببندد تا محاصره مردم غزه تکمیل شود. دولت اسرائیل علیرغم تمامی تبلیغات دولتی و رسانه های وابسته در سطح جهان، هیچگاه اعتقادی به حقوق مردم فلسطین نداشته است. حتی زمانی که قرارداد صلح اسلو به امضاء رسید نیز روشن بود که آن قرارداد، قرارداد صلحی بود که نفرت را عمیق تر می کرد و حال نتایج آن قرارداد بوضوح دیده می شود. قراردادی که قصد داشت مناطقی بانئونستان مانند در خدمت اسرائیل به وجود آورد و حق میلیون ها آواره فلسطینی که ده هاست در اردوگاه های پناهنده گان زندگی می کنند را نیز به رسمیت نشناخت. این بی اعتقادی به حقوق مردم فلسطین، بنیان سیاست های تقریباً تمامی دولتمردان و دولت زنان اسرائیلی است. از این روست که آن ها به نیروهائی هم چون حماس که هر چندگاه یک بار بهانه به دست شان بدهند نیاز مطلق دارند. دولت اسرائیل در راستای همین سیاست بود که تلاش گسترده ای را سازمان داد تا سازمان آزادیبخش فلسطین را در میان مردم فلسطین بی اعتبار کند و به عنوان شریک دشمن به نمایش بگذارد. امری که در آن موفق شده است. امروزه سازمان آزادیبخش فلسطین در نگاه مردم این سرزمین از اعتبار گذشته برخوردار نیست. به همین دلیل بود که در انتخابات گذشته حماس توانست آنچه را شکنده ای بیاورد. رای مردم فلسطین به حماس بیش از آن که نشاندهنده حمایتشان از این جریان باشد، اعتراضی گسترده علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و سیاست های تسلیم طلبانه اش بود. در هم شکسته شدن اعتبار سازمان آزادیبخش فلسطین در میان مردم فلسطین که در آن سیاست های دولت اسرائیل و آمریکا نقش اساسی داشتند، مهمترین عامل تقویت جنبش حماس بوده است. از این رو حماس با تلاش برای پاسخ به نیازهای روزمره مردم و پیوند با توده های پائینی جامعه، الگوی جایگزینی در

مقابل سازمان آزادیبخش فلسطین قرار داد که از یک سو سیاست سازش در پیش گرفته بود و از سوی دیگر در فکر پروار کردن بوروکراسی نوپای خود بود بجای آن که برای رفع مشکلات مردم بکوشد.

دولت اسرائیل تلاش دارد جنایت کنونی اش را امری تصادفی و برای مهار موشک اندازی های حماس پس از پایان آتش بس شش ماهه وانمود سازد. اما اکنون روش شده است که وزیر دفاع اسرائیل، شش ماه پیش دستور برنامه ریزی برای حمله ی همه جانبه به غزه را صادر کرده بود. انتخاب زمان کنونی کاملاً آگاهانه صورت گرفته است. این امر در زمانی صورت می گیرد که دولت بوش بعنوان پروپا قرص ترین حامی اسرائیل چند هفته بیشتر به پایان دوران ریاست جمهوری اش باقی نمانده است و دوران بعدی هنوز تجربه نشده است و از سوی دیگر انتخابات اسرائیل در پیش است و دولت کنونی که در پانین ترین حد محبوبیت قرار داشت و احتمال شکستش در انتخابات بسیار بالا بود، با اقدام نظامی چنین خشونت آمیز توانسته به عنوان نیروی مدافع امنیت مردم اسرائیل محبوبیت خود را افزایش دهد. امری که هر روزه در نظرسنجی ها مورد تأیید قرار می گیرد.

بنابراین مردم غزه که از یک سو در چنبره سیاست های حماس گرفتار آمده اند، قربانی بازی قدرت در میان احزاب اسرائیلی و بازی قدرت در آمریکا شده اند. و درست در چنین شرایط دردآوری که زیر باران بمب و موشک قرار گرفته اند، دولت های ارتجاعی عرب نیز به فریادشان نمی رسند. این بی اعتنائی آشکار دول عربی و یا همسویی پنهانشان با دولت اسرائیل، امری که در زمان حمله اسرائیل به جنوب لبنان و جنگ با حزب الله نیز اتفاق افتاد، محصول آن است که این کشورها حماس و حزب الله را نه نیروهای که به هر دلیل توانسته اند در میان توده های مردم نفوذ بدست آورند و نیروهای سیاسی مستقلی هستند بلکه به عنوان نیروهای ساخته و پرداخته ی جمهوری اسلامی در منطقه قلمداد می کنند و برای نابودی این دو نیروی سیاسی در منطقه با اسرائیل و آمریکا منافع مشترک دارند. اما همین سیاست بشدت غلط کشورهای عربی، باعث شده است که هم حماس، هم حزب الله و هم جمهوری اسلامی در نگاه توده های پائینی فلسطینی و جهان عرب به چشم دوست و حامی نگریسته شوند و در جلب افکار عمومی جهان عرب به پیروز این ماجرا تبدیل شوند. امری که تحقق خواست های آزادیخواهانه و عدالت جویانه ی توده های فلسطینی و عرب را به آینده های دور موکول می کند و زمینه های رشد بیشتر بنیادگرایی و افسوسگر را تقویت می سازد. دولت اسرائیل بر متن چنین زمینه ای بیش از پیش می تواند سیاست های جنایت کارانه و تجاوزگرانه اش را توجیه کند و سیاست بی اعتنائی به حقوق مردم فلسطین را هم چنان ادامه دهد و پشتیبانی دولت آمریکا و متحدین غربی اش را تضمین نماید.

8 ژانویه 2009 - 19 دی ماه 1387

* پیوندها *

سردبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekgar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت راه کارگر

www.rahekgar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند ،

الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند .

کشتار مردم غزه تجسم جنون و بربریت!

تقی روزبه

پدر اینها نده چيست؟

هيچ چيز، هيچ... تو را براي فهم آن نيست.

پدريزرگ! پناهنده چيست؟ مي خواهم بدانم.

يعني از اکنون توديرگير کودک نياشي.

محمود درويش

خبرگزاری ها گزارش داده اند که بیش از یکسوم تلفات ناشی از حملات وحشیانه و دوهفته ای اسرائیل را کودکان غزه تشکیل میدهند! آیا این کودک کشی تصادفی است؟! سهم مجموعه کشته ها ی غیرنظامی بسیار بیشتر از این است. تاکنون حدود 800 نفر کشته و بیش از سه هزار نفر مجروح حاصل این سلاخی ضدبشری بوده است. نیروهای اسرائیل بطور لاینقطع، مدارس، بیمارستانها و مساجد و مغازه ها و منازل و حتی کاروانهای امداد رسانی سازمان ملل را مورد آماج مستقیم بمبارانها و شلیک خود از هواوزمین و دریا قرار داده اند. بطوری که حتی سازمان ملل نیز تلاش امداد رسانی خود را بخاطر فقدان تأمین امنیت جانی متوقف کرده است صلیب سرخ جهانی از یک فاجعه انسانی خبر می دهد.

صاف و سراسر است، در مقابل چشم جهانیان، یک سرزمین حدودا 360 کیلومتری با بیش از یک و نیم میلیون انسان تلنبار شده در بیغوله ها را مشمول پروژه پاکسازی و نسل کشی قرار داده اند که با وقاحت تمام نام آن را عملیات "سرب مذاب" گذاشته اند. هدف درهم شکستن اراده مقاومت مردم غزه است از طریق کشتار و گرسنگی دادن و بدون داشتن امکان دسترسی به دارو و درمان و بیمارستان و مایحتاج اولیه و... و حتی بدون داشتن راه خروج و فرار. آری جنگ غزه از آن نوع جنگهای کثیف و بربرمنشانه است که در آن خود مردم هدف مستقیم جنگ و آتش بارهای سهمگین می باشند. یک کشتار مشمنزکننده در شرایط محاصره کامل، که تنها از ترکیب بربریت با مدرن ترین سلاحها بدست می آید. یک بربریت مدرن که در آن شاهد فوران تمامی ستم ها و تبعیضات حل نشده تاریخی، نژادی، ستم ملی و مذهبی، و بر فراز همه اینها تبعیضات داری مدرن هستیم؛ برای کنترل هرچه بیشتر یکی از مهم ترین نقاط استراتژیکی جهان و دارای غنی ترین منابع فسیلی، و بسط و تسلط عمقی سرمایه جهان خوار در تمامی خلل و فرج بافت منطقه و ایجاد بازار پرکشش و بی مرز و دولت های کارگزار سرمایه جهانی در منطقه با سرکردگی و ژاندارمی اسرائیل. باین اعتبار اسرائیل در حال انجام بخشی از مأموریت تاریخی ایجاد خاورمیانه بزرگ است که که از سوی امپریالیسم جهانی، بویژه در شرايطی که چرخهای اربابه جنگی اش پنچر شده به عهده گرفته است.

اگر اهدف های خرد مقطعی هم چون جبران شکست جنگ 33 روزه لبنان و احیای ایرونی "اسطوره" ارتش اسرائیل و نیز رقابت های درونی و حاد جناحها برای انتخابات آتی که از هم اکنون منجر به پیش برد سیاست جناح های افراطی مبنی بر "پایان دادن به مذاکره و آتش بس و حمله نظامی به حماس" توسط دولت باراک باهدف بهبود شرایط متزلزل خود در نزد افکار عمومی اسرائیل شده بگذریم، هدف مهم تر این است که مردم غزه را باید چنان در زیر باران مشت و لگد قلدرمنشانه گوشمالی داد و درهم پیچید تا ندامت ورزد و خود پلیس خویش بشود و جلوی عملیات حماس را بگیرد. در واقع تاکتیک اسرائیل و حامیانش به آتش کشیدن جنگل برای شکار خرس است. آستانه بزرگ سردمداران اسرائیل آن است که غزه را در حکم آزمایشگاهی به تصور در آورده اند که می توان تجربه آزمایشگاه های کوچک زندان و شکنجه و بیاآموزی و مسخ انسانها را که گویا بد طولانی در آن دارد. به جامعه تعمیم داد. آنچه را که اسرائیلی ها کور خوانده اند نادرستی همین تعمیم است. غزه آزمایشگاه امکان "بیاآموزی و بیاپروری" نیست. غزه بشکه ای انباشته شده از بی حقوقی و نفرت و لاجرم آکنده از مقاومت مترکمی است که هر چه بر روی آن کوبیده شود، محتویات آن با شدت و جدت بیشتری فوران خواهد کرد.

واقعیت آن است که برای دامنه مقاومت انسان و ظرفیت کنشگری وی در مقابل زور و قلدری و سلطه طلبی و استثمار و وقتی که قربانیان به عمق ستم رو شده برخورد آگاه شوند و وقتی نکبت زندگی بر مرگ رشک ورزد. حد و اندازه ای نمی توان قائل شد. و همتا طور که تجربه الجزایر و ویتنام و ده ها نمونه دیگر نشان داده است در چنین شرایطی نمی توان به هدف مورد نظر یعنی ایجاد شکاف بین مردم و "خرسی" که به دنبال شکارش هستند، نائل آمد. به تجربه دیده ایم که با یکسان انگاشتن آیندو و آتش زدن جنگل با شکارش، تنها سبب درهم تنیدگی هر چه بیشتر آندومی شود. و این برای بار نخست نیست که شاهد باز تولید و گسترش نفوذ بنیادگرانی توسط خود امپریالیست ها و سلطه گران هستیم. این داستان تاریخ طولانی دارد که

پرداختن به آن خارج از حوصله این نوشته است. مساله اصلی برای اجتناب از اشتباه محاسبه آن است که بدانیم وجود حماس قبل از آنکه منشأ مقاومت باشد معلول آن است و البته پاسخی بازگونه و غیرتاریخی به آن مهم است بدانیم که اوزنفرت و مقاومتی نیرومی گیرد که در قلب هر فلسطینی آواره و محرومیت دیده، علیه اشغالگران و حامیانش زبانه می کشد. و همین جایگزینی علت و معلول بجای هم است که راز اصلی ناکامی های امپریالیستها و از جمله امپریالیسم اسرائیل در منطقه را تشکیل میدهد. نباید فراموش کنیم که علت اصلی سر بلند کردن بنیادگرانی و یا اسلام سیاسی و هر نام دیگری که به آن بدهیم، در شکست ناسیونالیسم عرب و ناصریسم در پاسخ به خواستهای مردم، و هم چنین ضعف چپ و نیروهای سوسیالیست در پاسخ به آن، و بطور خاص در فلسطین سر بلند کردن حماس و گسترش دامنه نفوذ آن نیز محصول بی کفایتی، سازش و بر زمین افکندن پرچم مقاومت توسط سازمان آزادی بخش (و بطوری کلی نیروهای لیبرال لائیک) و نیز ناکامی وضع سازمان ها و جریانات چپ بود که موجب رشد حماس گردید. و این او بود که پرچم بر زمین افتاده مقاومت را بلند کرده و با افزودن پسوند اسلامی به آن مقاومت با اصطلاح اسلامی را علم کرد. در تجربه ما ایرانیان نیز برآمد جنبش اسلامی پس از شکست جنبش ملی و سپس ناکامی و شکست نیروهای چپ در پاسخ به مسائل پیشروای مردم و سرنگونی حاکمیت سلطنت و نفوذ امپریالیسم، علیرغم آنهمه جان فشانی ها و مقاومت پر آوازه فعالین چپ، از مهمترین عواملی بود که سبب سر بلند کردن ارتجاع اسلامی و سیطره آن بر جنبش گردید.

بازگردیم به موضوع جنگ غزه که به آن عنوانی جز "کشتار و تنبیه مردم غزه" نمی توان داد! همانند نمونه تهاجم به عراق و افغانستان و... و جنگ ابتدا با حملات بسیار سنگین و ویرانگر هوایی شروع شد. و سپس نیروی زمینی برای ادامه مأموریت از قبل تعیین شده، نابودی بیشتر و هدفمندانه تر، وارد عمل شد. ورود ارتش به غزه و شلیک به هر چیزی که تکان می خورد مرحله دوم پروژه "سرب مذاب" است. و مرحله سوم آن نیز ورود به عمق مناطق و اجرای جنگ کوچبه به کوچبه و تن به تن و منزل به منزل، و با اصطلاح شکار جنگاوران و پاکسازی و جب به جب است که در صورت وقوع، تلفات تکانونی در برابر آن رقمی نخواهد بود.

شروع حمله به غزه و ادامه آن آشکارا با چراخ سبز دولت آمریکا و رضایت تلویحی سایر قدرت های بزرگ از یکسو و رضایت ضمنی دول تجارعی منطقه از سوی دیگر صورت گرفت. در خود آمریکا این تجاوز با حمایت فعال بوش و نومحافظه کاران در روزهای پایانی ریاست جمهوری اشان همراه شده است، که ظاهرا بجای اردک "لنگ" باید اردک تیزپا "خطباشان کرد. چنانکه اظهارات صریح بوش و رایس مبنی بر آتش بس "پایدار" باهدف نابودی و از کار انداختن قدرت پرتاب راکت توسط حماس و عدم بازگشت به نقطه قبل از حمله اسرائیل، و نیز توتوهای مکرر درخواست آتش بس فوری توسط سازمان ملل بیان کننده آن است. البته معمای تیزپاشدن این اردک بدون در نظر گرفتن سکوت معنادار او ایما رییس جمهور آتی آمریکا قابل فهم نخواهد بود. او این بی تفاوتی معنادار خود را چنین بیان کرده است: تا بیستم ژانویه فقط یک رئیس جمهور داریم که سیاست های خارجی آمریکا را اعلام خواهد کرد و آن آقای بوش است. ولی در سیاست های داخلی چه؟ بله او در سیاست داخلی نه فقط سکوت اختیار کرده، بلکه مجدانه طرح های خود را پیش می برد و ظاهرا در این عرصه وجود دو رئیس جمهوری فاقد اشکال است!

هم چنانکه که اروپا و دیگر قدرت های جهانی با گرفتن رُست بیطرفی و ابراز لفاظی های تو خالی اندر ضرورت برقراری آتش بس، فی الواقع در حال خریدن زمان لازم جهت بازگذاشتن دست تجاوزگر دولت اسرائیل و فریب افکار عمومی جهان می باشد و باهدف پیشروی و لااقل دست یابی به شماری از اهداف هائی هستند که سردمداران اسرائیل از آن به عنوان تغییر معادله استراتژیک (و از جمله سلب قدرت راکت پرانی حماس و ابراندازی دولت حماس و...) نام برده اند. شیمون پرزگفته است که برای نیل به این هدف نگران خدشه دار شدن چهره اسرائیل در جهان نیستیم. از سوی دیگر همزمان با شروع حمله اسرائیل، حسنی مبارک گشودن باریکه راه رفح برای عبور آذوقه به غزه را مشروط به مداخله و کنترل آن توسط محمود عباس کرده است. در حال این گونه تلاش های هم آهنگ در حکم تنگ تر کردن هر چه بیشتر حلقه محاصره و به معنی گرسنگی دادن هر چه بیشتر به مردم غزه در شرایطی است که باران بمب و آتش بار تانگ ها بر سر آنان باریدن گرفته است. از همین رو با درمیانی اروپا و فرانسه برای با اصطلاح آتش بس، با چنان ریتم کند و با چنان شیوه ای صورت می گیرد که به اهداف استراتژیک این پروژه یاری رساند و موجب تشدید اختلافات درونی فلسطینی ها و خاموش ساختن شعله های مقاومت گردد.

جنگ ادامه سیاست است اما به شکلی دیگر

بحران و جنگ غزه، علیرغم فعال بودن عوامل حل نشده تاریخی در آن، اما دراصل تحت الشعاع هدف بزرگتر و درآمد سرمایه جهانی و درپاسخ به مسائل حل نشده تاریخی در دستران و در خدمت آن است. و از همین رو، همانطور که اشاره شد، باید آن را قبل از هر چیز در امتداد جنگهای باصطلاح ضد تروریستی و علیه "محور شرارت" پوش در طی سالین اخیر و در چهارچوب استقرار خاورمیانه بزرگ به مرکزیت و سرگردگی بورژوازی و کشورهای اسرائیل صورت بندی کرد؛ که با هدف تبدیل این قسمت حساس جهان به بخشی ارگانیک تر و ادغام شده تر بابافت نظام سرمایه داری جهانی صورت می گیرد.

مارکس سرکوب مستقیم و بی واسطه را ویژه دوران انباشت سرمایه می دانست. شالوده این نوع سرکوب بر استعمار مطلق و کسب ارزش اضافی مطلق استوار است. رویکرد سیاسی متناسب با آن نیز جدی‌کنندگی و حکومت پلیسی و سرکوب آزادی‌ها و تجاوز و توسل به جنگ بوده است. همان دوره هانی که تراکم سرمایه بخشا از قبیل خون و اشک و ناله و درهم شکستن استخوانهای انسانها صورت می گیرد. و اگر در نظر بگیریم که چنین انباشت و سرکوبی نه گناه اولیه بلکه گناه همیشگی سرمایه است که بدون ارتکاب به آن دیگر سرمایه، سرمایه نخواهد بود. و به این اعتبار فقط به مراحل انباشت آغازین سرمایه اختصاص ندارد و سرمایه داری در مراحل فریه سازی‌ها و پوست اندازی‌های مداوم خود و اکنون در مرحله تسخیر همه جانبه جامعه جهانی، حتی با بسببیت بیشتری به آن مبادرت می ورزد. کمالات از سال‌های 70 قرن بیستم به بعد با تعرض نئولیبرالیسم بار دیگر تشدید ارزش اضافی از طریق کسب ارزش اضافی مطلق در مقیاس جهانی را در رأس برنامه‌های خود قرار داد؛ برای بازپس گیری دست آوردهای طبقه کارگر و افزایش نرخ سود. و چنان که می دانیم اوج این روند منجر به سلطه نئوناکانها بر کاخ سفید شد که خود با اعلام جنگ دولت آمریکا علیه "تروریسم بین المللی" همراه گردید و موجب برپایی زنجیره ای از جنگهای متعدد گردید. جنگ غزه را نیز، علیرغم خودویژگی‌هایش باید در کنه خود و در تحلیل نهانی بخشی از همان جنگ‌ها و بخشی از پروژه خاورمیانه بزرگ دانست. که در غیاب ناکامی‌های پیشین دولت آمریکا و دشواری‌های آن، ارتش اسرائیل ماموریت شخم زدن به بخشی از آن و بیرون کشیدن قوه سنگ‌های نهفته را به عهده گرفته است. آر ای این روزها، ما در کنار یکی از همین بزنگاه‌های جنون و خون سرمایه برای برقراری نظم مقرر در منطقه ای حساسی از جهان قرار داریم. نباید فراموش کنیم که یک طمع بزرگ همواره از میان انبوهی از امیال و طمع‌های کوچکتر عبور می کند. و هر کس در این میان فکرمی کند که دارد تاریخ را به میل و طمع خویش می سازد. بگذارید بگویم افراطی اسرائیل و آن مردمی که درمستی توده ای، فرود میب بر سر مردم غزه را با هورا و دست افشانی به تماشای نشینند، و باین ترتیب خویشتن را از انسانیت و انسان بودن تهی می سازند، در خیال خویش بر این پنداریا شدند که به تماشای تحقق وعده تورات مبنی بر دست یابی به سرزمین مقدس و واحد ایستاده اند! چنانکه الله اکبر گویان حماس نیز دارند به وعده‌ها و ماموریت آسمانی ملهم از اسلام بنیادگرا عمل می کنند. یکی مستظهر به حمایت فعال سرمایه جهانی و مجری به مدرنترین سلاح‌های ویرانگر و دیگری جنگ افکننده به "ناکجا آباد گذشته" و متوسل به هر چه که دم دست خود دارد: سنگ و فلاخن انداز و آنچه که به موشک‌های دست ساز و خانگی شهرت دارد و پیرتابشان این چنین طوفان خشم اسرائیل را برانگیخته است.

اما در این میان ما در کجا قرار داریم؟

بی شک ما ناظر بیطرفی که شاهد نبرد گلابیاتورها و منتظر نتیجه آن باشد نیستیم و نقش خود را در تعیین نوع نتیجه نادیده نمی انگاریم. قبل از هر چیز در برابر تهاجم سرمایه به جنون آمده و شخم زدن و وحشیانه و هاران در منطقه قرار داریم ولی نه از موضع جنگ زدن به گذشته و دفاع از آن، بلکه با نگاه به آینده و رهانی از جنگ سرمایه و با نگاه به انسانی‌ها از آزادی و ملیت و مذهب. پس از روشن کردن موقعیت کلی خود، اما بلافاصله خود را در وضعیت دشواری می یابیم و آن اینکه در متن جبهه مقاومت با رقیبی بشدت مصمم و سازمان یافته مواجهیم که از موضعی سخت و ایسگرایانه و ارتجاعی و تمامیت گرایانه به مقابله با تهاجم سرمایه و نیروهای سلطه طلب می پردازد. مدینه فاضله و الهام بخش او فرامین مذهب است و "رهانی" به وساطت آن خطرناک ترین گوه‌اصلی بنیادگرایی سلب اختیار و آزادی از انسان و تبلیغ و ترویج مداوم تفریض اراده انسانی به آسمان و انقیاد کامل به فرامین و روایت بنیادگرایانه از مذهب و متولیان مذهب است. بی شک آنها که برای آزادی و رهانی انسان و خود حکومتی آن مبارزه می کنند، نمی توانند حتی برای یک لحظه هم باین گونه برده سازی متعلق به عهد عتیق سرسازش داشته

باشند. همانگونه که با برده سازی مدرن از نوع سرمایه داری نیز سرسازش ندارند. آنها صدای سوم، صدای رهانی را و نه فقط صدا که جنبش رهانی را تحت هر شرایطی باید پاس بدارند. ما شهروندان ایرانی بی شک بیش از مردم هرکشوری نسبت به مصائب حاکمیت اسلام و دولت اسلامی آشناییم و از فرود صاعقه تاریخی (و یا ضدتاریخی) عظیم بر سرمان درس‌های گرانبها آموخته ایم و حاکی از آنکه:

هرگز نباید بین جنبش و یا سازمان‌های اسلامی و توده‌های مردم علامت تساوی گذاشت. یکسان پنداشتن آندومی تواند به خطای بزرگی منجر شود. مردم و اکثریت آن همواره از واقعیت‌های زمینی حرکت می کنند و بنیادگرایان از فرامین آسمانی. حتی وقتی که عموماً مردم تحت شرایط معینی تن به مذهب می سپرند و یا به ناسیونالیسم متوسل می شوند، غالباً به آن همچون وسیله‌ای برای رهانی و نجات از مضمه نگاه می کنند و نه هم چون اهدافی مقدس و ازلی و ابدی و تغییرناپذیر. این مساله بخصوص در مورد مردم فلسطین که در میان عرب‌ها و منطقه، تاریخی از سطح فرهنگ و آگاهی بالاتری برخوردار بوده اند و بیش از دیگران لاینک محسوب می شدند، صادق است.

- همواره پیوند تنگاتنگی از نوع بند ناف مشترک بین نظام سرمایه داری جهانی با آنچه که جنبش اسلامی بنیادگرا می نامیم وجود دارد. رابطه بین آنها مثل رابطه یک طفل با انگل خویش است که آمیزه ای است از جدال و وحدت. در واقع آنها علیرغم شدت تخاصم اشان اما از منبع واحدی تغذیه می کنند و سرمایه داری در تهاجم به جوامع "نامطلوب" و تسخیر آنها همواره به بازتولید آن می پردازد. بنابراین بنیادگرایی انگلی است که از قبیل سرمایه داری هم در وجه رابطه سازش آمیزش و هم در وجه تخاصم آمیزش پرورش پیدا می کند. چنانکه ما در طی این سالها علیرغم هاروپورت‌ها و تهدیدهای دولت آمریکا و کشورهای اروپا، شاهد تقویت موقعیت رژیم جمهوری اسلامی و اسلام بنیادگرا در منطقه بوده ایم: در افغانستان تحت اشغال آمریکا و متحدان وی نیز به همین شکل و بطریق اولی در عراق و نیز سایر نقاط خاورمیانه نظیر لبنان و فلسطین، همانطور که اشاره شد رابطه نظام سرمایه داری با انگل خود، بنیادگرایی، همواره آمیزه ای است از سازش و تخاصم. ما همکاران آنها را بکرات دیده ایم: از ایجاد و یا تقویت پدیده ای بنام طالبان تا تقویت خود حماس به مثابه شاخه ای از اخوان المسلمین در برابر سازمان آزادی بخش فلسطین توسط آمریکا و اسرائیل. در رابطه با جمهوری اسلامی ذکر آخرین نمونه جالب است: یکی از اقدامات مقابل و پرسرصدانی که پس از تهاجم اسرائیل به غزه از سوی جمهوری اسلامی و در حمایت از فلسطینی‌ها اعلام شد، تصمیم مجلس اسلامی به قطع مرادوات اقتصادی رژیم با شرکت‌های "صهیونیستی" بود! در همین رابطه به دولت یک سال مهلت داده شد تا لیست این شرکت‌ها را تهیه کرده و به مجلس گزارش بدهد. و باین ترتیب معلوم میشود که علیرغم ادعاها و هیاهوی کرکننده رژیم در طی این سالها علیه باصطلاح صهیونیسم و صهیونیست‌ها، و علیرغم تصویب قانونی 17 سال پیش بهمن مناسبت و برای تحریم این گونه شرکت‌ها، معلوم میشود که جمهوری اسلامی لاقلاً تا این لحظه، بنا به اعتراف خود، باین شرکت‌ها دادوستد داشته است! نیاز سرمایه داری به مقابله با جریانات رادیکال و یا دول مخالف خود نیز عامل دیگری است که موجب تقویت و یا حمایت از بنیادگرایی توسط دولت‌های سرمایه داری می شود. باین همه تقلیل رابطه بنیادگرایی به سازش صرف، ساده کردن صورت مساله است و اگر چنین بود، بنیادگرایی هرگز نمی توانست اعتبار کنونی را بدست آورد. در همان حال اسلام بنیادگرا بیشترین بهره‌گیری را از سرکوب‌ها و تبعیض‌های سرمایه داری، برای جلب نظر توده‌ها و دفاع از گذشته و منافع به خطرافتاده خود بکار می گیرد.

- اگر در شرایطی بهر دلیل بنیادگرایان بشکلی در صفوف مقاومت حضور داشته باشند (مانند شرایط قبل از انقلاب بهمن و در برابر نظام سلطنتی و امپریالیسم) تنها با ایجاد صف و جنبش مستقل آزادی و برابری و به همراه شعار پلورالیسم - در برابر صرف یک پارچه ای که آنها عموماً در این گونه موارد طالب آند - می توان از یک تازی اشان جلوگیری کرد. تلاش برای جنبش پلورالیستی و ویژه تلاش بی وقفه برای ایجاد صف مستقل مدافعان آزادی و برابری اجتماعی را باید تحت هر شرایطی و بهر قیمتی - حتی اگر انجام آن با مخالفت و ممانعت و کارشکنی تمامیت گرایان و انحصارطلبان بنیادگرا مواجه شود - باید پی گرفت.

بهر حال برای مقابله با بنیادگرایی راهی نیست جز طرح و دفاع از مطالبات واقعی و فراگیر مردم و مبارزه قاطع با نظام سرمایه داری و ستم‌های طبقاتی - اجتماعی، سازمان‌یابی مستقل هر چه بیشتر توده‌های زحمت کش

بقیه در صفحه : 8

پیامک پزشک نروژی: مرگ، خون، قطع و دست و پا...



دکتر ماتس گیلبرت

روشنگري. روز سه شنبه 6 ژانويه در 11 امين روز حمله اسرائيل به غزه نيز دولت اسرائيل عليرغم قول قبلي به هيچ خيرنگاري اجازه ورود به غزه را نداد. به اين ترتيب گزارشات كلييه رسانه ها بر اخباري كه ساكنين بومي و طرف هاي درگير مي فرستند استوار است. اما روز دوشنبه 5 ژانويه يك پزشك نروژي يك پيامك با تلفن ارسال كرد كه در آن نوشته شده بود: مرگ، خون و آمپوتاسيون، قطع دست و پا، اطراف ما را فراگرفته است... تعداد زيادي كودك.. زندهاي حامله.. من هرگز چيزي به اين وحشتناكي ندیده ام..

اين پزشك ماتس گيلبرت نام دارد و 61 ساله است و متخصص رشته بيهوشي است. او و يك جراح نروژي به نام اريك فوسه كه هردو پرفسور هستند با يك سازمان امداد به نام NORWAC كار ميكنند. ايندو شب قبل از تحويل سال نو همراه چهار پزشك مصري خود را به غزه رسانده بودند. از آنجا كه ماتس گيلبرت نخستين شاهد غربي است كه برخلاف خيرنگاران رسانه ها ميتواند مستقيما مشاهدات خود را بازگو كند، بلافاصله رسانه هاي متعدد با او تماس گرفته و مشاهدات او از شبكه هاي متعدد از سي ان ان، اسكاي نيوز، سي بي اس، بي بي سي گرفته تا پرس تي وي رژيم ايران و در نشرياتي مثل اينديپندنت و نيويورك تايمز منعكس شد.

مشاهدات گيلبرت به شدت تكان دهنده است. او و همكارانش بيش از ده روز است در شرايطي فاجعه بار در بيمارستاني به نام شفا بايد كودكان نوزاد كه سرشان در هم كوبيده، زنان حامله مجروح، جواناني كه بايد هردو پاي شان بريده شود را معالجه كنند. ماتس گيلبرت ميگويد آمري كه از قربانيان غيرنظامي ميدهند به هيچ وجه حقيقت ندارد و 50 درصد بيماران او را فقط كودكان و زنان تشكيل ميدهند. اودر مصاحبه تلفني با يك روزنامه سوندي گفت نخستين چيزي كه هنگام ورود به بيمارستان شفا با آن روبرو شد، جسد يك همكار مرده بود. او گفت: اين دكتر با آمبولانس براي نجات مجروح رفته بود كه هدف حمله قرار گرفت. هم او و هم بهيار همراه او كشته شدند..

آنها بعد از وروديه غزه بدون انقطاع كار كرده اند، حتي وقت خواب هم نداشتند... مثل خواب سرباز، هروقت كه بتواني. ولي اين مساله بيش رنجي كه مردم مي كشند هيچ است. يكي از زخمي ها كه امروز بيمار من بود تنها 8 ماه داشت. جراحتش آنقدر سنگين بود كه بايد عمل ميشد. ولي بيهوش كردن بچه 8 ماهه خطرناك است. با وجود اين مجبور بودم.. به گزارش روزنامه مزبور او آنگاه از شدت اندوه نتوانست حرف بزند و ساكت شد. سپس گفت چيزي كه بيش از همه دلم مرا به درد مي آورد رنج كودكان است. امروز سه كودك بيش من آمدند. سه خواهر برادرتها، هرسه مجروح، وحشت زده تا سرحد مرگ. تصويري كه از آنها در ذهنم مانده را هرگز از ياد نخواهم برد. حتي آن بچه ها هم كه زخمي ها ي سطحي تري دارند، از نظر رواني بطور كامل در هم شكسته اند.

جراحی بدون داروی بیحسی !

بیمارستان که قبلاً مخصوص مداوی بیماران فوری بود اکنون تماماً به درمان مجروحان اختصاص یافته است. پزشکان تحت شرایط دشواری کار میکنند. شیشه ها شکسته، برق گاه به گاه وصل میشود. دارو، وسیله و پرسنل به شدت ناکافی است. او گفت توصیف وضعیت بسیار دشوار است. ما کنار تخت عمل ایستاده ایم و سعی میکنیم جان بیمار را نجات دهیم که برق می رود. این یک وضعیت دائمی است.

به گفته گیلبرت اوضاع بدتر و بدتر میشود: مردم روی دست ما می میرند. امروز سه شنبه 6 ژانویه، 100 مجروح داشتیم. بسیاری از آنها بچه بودند و یکی زن حامله، به گفته او هرچه او و همکارانش تلاش میکنند زندگی ها را نجات دهند، اما توپخانه ها و بمب ها کار میکنند و تعداد مجروحین افزایش می یابد. برای تخت های عمل صف هست. برخی را روی کف زمین عمل می کنند. او میگوید مجبور شده اند در برخی موارد بدون استفاده از داروی بیحسی اندام ها را قطع کنند.

گیلبرت همچنین میگوید اسرائیلی ها از نوعی سلاح به نام Explosive.DIME veryDense Inert Metal استفاده میکنند که بیش از 10 متر نمی رود، زود ناپدید میشود ولی وقتی به بدن اصابت میکند، امواج پر قدرت آن بدن را تکه تکه میکند. قبلاً پزشکان بیمارستان شفا به شبكه الجزيره گفته بودند نمیدانند اسرائیل از چه سلاح هایی استفاده میکند که آنها مجبورند اینهمه دست و پا قطع کنند.

اشک هایمان را برای بعد نگاهداشته ایم !

به گفته گیلبرت در دو روز اخیر وضع بسیار وخیم تر شده است. هر حمله تعداد بیشتری مجروح برجا میگذارد و جراحات آنها وخیم تر است.

اسرائیل ادعا میکند تلاش میکند به شهروندان غیرنظامی کمتر آسیب برسد، اما دو پزشک نروژی که به گزارش روزنامه ها تجربه طولانی کار در شرایط فاجعه را دارند این ادعا را باور ندارند؛ درطول یک ساعت اخیر که در اورژانس ایستاده ایم حدود 20 مجروح آوردند. نه تای آنها کودک بودند..

آنها تعدادی عکس هم فرستاده اند که وضع وخیم مجروحین را نشان میدهد. دو پزشک نروژی و 4 پزشک مصری در یک اتاق کوچک بیمارستان با هم زندگی میکنند.. ما همدیگر را دلداری میدهیم. وقتی اینجا هستیم باید خیلی دلمان قوی باشد و اشک های مان را نگاه داریم. آنها را برای وقتی گذاشته ایم که باز میگردیم. مراسم سال نو را خیلی محدود گرفتیم. اینجا نشستیم چای نوشیدیم و با هم حرف زدیم در باره ارزش و قدر انسان. وقتی ساعت 12 شد همه ما آرزو کردیم سال دیگر کمی بهتر باشد..

روند رو به افزایش " هدف انسانی "

روز سه شنبه نیروهای اسرائیلی به منطقه ای که بیمارستان در آن قرار دارد نزدیک شدند. معلوم نیست جان پرسنل پزشکی در امان بماند. در این روز اسرائیل یک بیمارستان مویایل دانمارکی وابسته به یک موسسه کلیسایی را هدف حمله قرار داد. بیمارستان در یک ماشین برپا میشود و فقط میتواند بیماران با جراحات سبک تر را ببیند. هنوز این بیمارستان آماده نشده و به کار نیفتاده بود. حالتردید دارند که یک ماشین دیگر بخرند، زیرا اطمینان ندارند اسرائیل آن را هم هدف قرار ندهد. کاسپر انگبورگ سخنگوی این موسسه کلیسایی گفت ما از اینکه اسرائیل مستقیماً هدف های انسانی را نشانه میگیرد تکان خورده ایم.

روز سه شنبه اسرائیل به یک مدرسه سازمان ملل که 400 فلسطینی در آن پناه گرفته بودند حمله کرد. در این حمله بنابرگزارش های مختلف 40 تا 45 نفر کشته شده اند.

این سومین مدرسه سازمان ملل بود که در روز سه شنبه نیروهای اسرائیلی به آن حمله کردند. مدرسه ها به پناهگاه مردم تبدیل شده اند. روز سه شنبه گاردین نیز گزارشی همراه با تصاویر پدری در کنار اجساد سه فرزند خردسالش را منتشر کرد. این مرد که اتفاقاً با حماس هم مخالف بود گفت سربازان اسرائیلی به خانه های ما آمدند و همه خانه ها را تخلیه کردند. ما همه به زیر زمین یک ساختمان رفتیم که توپخانه اسرائیل از دور شلیک کرد، من یکی از فرزندانم را بفل کردم که به بیرون بروم. وقتی به پهلویم نگاه کردم مادرم، دو پسر عمویم و سه فرزند دیگرم را دیدم. همه آنها مرده بودند. 18 دی 1387

گزارش مزبور و عکس این مرد و سه فرزندش را در لینک زیر ببینید.

<http://www.guardian.co.uk/world/2009/jan/06/gaza-israel>

ناپلئون اسرائیل، و "شلیک به تنگ ماهی"



تایمز: روی بمب های فسفوری به روشنی علامت مخصوص بمب دیده میشد های ساخت آمریکا

*صلیب سرخ: چهار بچه کوچک و نیمه جان از چهار روز در کنار اجساد مادران شان پناه گرفته بودند. 12 مرده دیگر هم آنجا بود. حمله به امدادگران پزشکی ممنوع است اما اسرائیل تاکنون 20 پرسنل پزشکی را کشته است.

*عضودیده بان حقوق بشر: تصاویر نشان میدهد از تکنیکی استفاده میشود که پرده دود فسفر سفید درسطوح نزدیک به زمین ایجاد میشود، که عوارض آن را به حداکثر میرساند.

روشنگری: یک روز بعد از حمله اسرائیل به غزه و بسایت فارسی رادیو آلمان، دویچه وله، در مقاله ای به نقل از اشپیگل، اهودباراک را ناپلئون اسرائیل، خواند و مستقیماً با نقل از دوستان و همداستان باراک او را ناپیغه ای، بی ترس، و از جان گذشته معرفی کرد که در عین حال، بشیفته وار پینانو می نوازند، و از کمالات علمی و نبوغ تحلیلی، برخوردار است.

همه اینها برای اینکه باراک، یک سال بود هدایت طراحی عملیاتی را در دست داشت که یک تحلیل گر در شبکه الجزیره آن را، شلیک به تنگ ماهی، خوانده است. در هفته اخیر رسانه های عمومی خبر دادند برای اینکه سربازان باراک برای اینکه بتوانند با شجاعت، به ماهی، های زخمی شلیک کنند بدون اینکه خود در معرض خطر قرار گیرند، از بمب های فسفوری استفاده میکنند.

دفتر امور انسانی سازمان ملل UNRWA مستقر در اورشلیم شرقی روز 8 ژانویه گزارشی منتشر کرد که اکنون در اینترنت هست* بر اساس این گزارش ارتش اسرائیل از آغاز سال نو مسیحی تا ساعت 4 صبح هشتم ژانویه 758 نفر را در غزه کشته که 42 درصد آن را زنان و کودکان تشکیل میدادند. تا آن زمان 257 کودک کشته و 1080 کودک زخمی شده بودند. در این گزارش آمده است اسرائیل مستقیماً به دو مدرسه UNRWA که صد هاتن مردم آواره در جستجوی سرپناه به آن پناه آورده بودند حمله کرده و حداقل 30 نفر را کشته است. گزارش میگوید روز 4 ژانویه سربازان پیاده ی اسرائیل به محله مسکونی زیتون رفته و حدود 110 نفر ساکنین خانه هارا که نیمی از آن ها زن و بچه بودند تخلیه کرده و تنها در یک خانه جمع میکنند و به آنها اخطار میدهند از خانه بیرون نیایند. 24 ساعت بعد توپ های اسرائیلی این خانه را نه یک بار بلکه مکرراً هدف قرار میدهند و حدود 30 نفر را می کشند. بعد ارتش اسرائیل، مرده ها، زخمی و زنده ها را در این خانه رها کرده و 4 روز تمام مانع ورود تیم پزشکی به این خانه ها میشود. وقتی تیم پزشکی صلیب سرخ روز 7 ژانویه با استفاده از مهلت سه ساعته توقف حملات، با پای پیاده و بدون آمبولانس خود را به این خانه میرساند با یکی از فاجعه بارترین صحنه ها روبرو میشود. گزارش میگوید تیم مزبور در این مدت کوتاه قادر نبود همه خانه ها را بازدید کند و در پایان مهلت 3 ساعته توانست 30 نفر از زنده ماندگان را بیرون بکشد که 18 نفر آنها زخمی بودند. گزارش میگوید حملات اسرائیل ده ها هزار نفر را آواره کرده و تنها از زمانی که اسرائیل

تهاجم زمینی به غزه را آغاز کرده است تعداد آوارگانی که به 23 پناهگاه سازمان ملل پناه آورده اند از چند صد نفر به 16000 نفر رسیده است. گزارش میگوید در 7 ژانویه آب 800000 نفر از فلسطینی های ساکن شمال رو به اتمام رفته است، 37 ایستگاه پمپ آب به علت فقدان برق بسته شده اند و تاسیسات آب و فاضلات زیر ضربات به شدت آسیب دیده و هر آن بیم می رود که عملیات نظامی کنونی دیواره های فاضل آب را بطور کلی در هم بشکنند و سیل فاضلاب در شهر روانه شود. 15000 نفر فقط در یک محله در معرض خطر مستقیم این سیلاب کشنده قرار دارند...

آیا ناپلئون اسرائیل، با تماشای این صحنه های قتل عام و ویرانی به هیجان آمده و، شیفته واریپاتو می نوازند؟ گزارش دویچه وله و یا اشپیگل در این مورد به ما اطلاعاتی به ما نداده است. اما خوانده ایم که نرون بر فراز رم که در شعله های آتش می سوخت و یولون می نواخت، و میدانیم هیتلر هم به هنر خیلی علاقه داشت، و خمینی شعر می گفت و میگویند خامنه ای هم شیفته هنر و ادبیات است.

بینوا هنر...

ولی هنر میتواند دامن اش را از دست جنایتکاران بیرون بکشد، اما ما میمانیم و این سوال دردناک: اگر باراک و هیتلر، یا خمینی و خامنه ای تنها بودند و لشکری از مداحان و جلاان از آنها حمایت نمیکردند، آیا میتوانستند این چنین زمین را در خون و اشک غسل دهند؟ در میان های خبرهای هولناک هفته دوم کشتار غزه، خبری هم بود که از یک طرف، خوب، و از طرف دیگر باز هم به شدت دردناک بود: روز 8 ژانویه UNRWA در اعتراض به این توحش که حتی تیم پزشکی و پناهگاه های خود سازمان ملل را هم به توپ می بندد، اعلام کرد فعالیتش را در غزه متوقف می کند. کمیته بین المللی صلیب سرخ هم بالاخره شکایت به دادگاه افکار عمومی برد و اعلام کرد اقدامات اسرائیل، غیرقابل قبول، است که در فرهنگ زبان صلیب سرخ سیلی سختی است بر حیثیت دولت اسرائیل.

و سرانجام برای تخفیف التهاب افکار عمومی سازمان ملل قطع نامه ای برای توقف فوری حملات نظامی صادر کرد. اگر چه این قدم های کوچک در یک جامعه جهانی، که بر زور استوار است صحنه جنایت را عملاً تغییر نمی دهد. چنانکه بلافاصله بعد از صدور قطعنامه اسرائیل در همان شب اول تا ظهر روز بعد به 50 نقطه دیگر حمله کرد. در یک حمله جت های اسرائیلی یک ساختمان 5 طبقه در شمال غزه را بمباران کرده و 7 تن از یک خانواده از جمله یک کودک نوزاد را کشتند و بلافاصله بعد از آن، توپخانه های اسرائیل از دریا مرکز شهر را زیر توپ گرفتند.

با وجود این ما نیاز به آن داریم که از اعتبار سازمان های بین المللی چیزی باقی بماند، زیرا چنانکه میدانیم بنیادگرایان همه طرف چه از نوع اسرائیلی، چه از نوع اسلامی، چه از نوع جان بولنتی میخوانند هیچ اعتباری برای نهادهای بین المللی نمادند تا آنها بدون هر نوع نگاه مزاحم راحت تر به جنایات شان ادامه دهند و متأسفانه ارگان ها و مقام های رهبری سازمان ملل و بویژه شورای امنیت که حالا تحت عنوان جامعه جهانی، به حیات جدید و عجیبی دست یافته اند، به اندازه کافی در جهت این آرزوی آنها اقدام کرده اند. این همیشه نهادهای بشردوستانه و فرعی، و بی قدرت سازمان ملل بوده اند که تلاشی برای نجات اعتبار این سازمان به عمل آورده اند. قتل نیم میلیون کودک عراقی در محاصره اقتصادی جنایتکارانه آن کشور قبل از جنگ را نیز یونیسف افشا کرده

ارزش عظیم کار دو پزشک نروژی را نیز نباید فراموش کرد.

هر چند آنها چیزی نگفتند که از زبان قربانیان محلی شنیده بودیم اما چنانکه میدانیم در نظام حاکم کنونی بر جهان، هنوز هم شهادت مردمان خون آبی جزیره های خوشبختی نسبت به شهادت مردمان جهان سومی، همان امتیازی را دارد که ارزش شهادت مرد بر زن در نظام شریعت اسلامی، در روزگار تیره ای که انسان و حقوق او به وسیله ابزاری، نیروهای سیاه در خدمت اهداف ضد انسانی شان تبدیل شده، کار این دو پزشک نشان داد هنوز انسانها با تقبل چه فداکاری های عظیمی می کوشند گوهر انسانیت را از چنگال نیروهای ضددمکراتیک بیرون بکشند. آنها میلیون ها انسانی را نمایندگی کردند که بین دو نوع نیروی بنیادگرا گیر کرده اند، اعتراض خود را بیان می کنند، اما صدایی ندارند. در زیر خلاصه ای از گزارش روزنامه گاردین از مشاهدات هولناک نیروی امداد صلیب سرخ در محله زیتون و نیز بخشی از گزارش تایمز آن لاین در مورد استفاده از سلاح های فسفوری در جنگ کنونی را میخوانید.

چهار روز در پناه اجساد مادران و شاهکاری، از صحنه های هولناک که ماموران صلیب سرخ را به خرسواری، واردار میکند. گزارش صلیب سرخ از صحنه های هولناک محله زیتون مناشه امیر گوینده رادیوی فارسی اسرائیل زمانی بامشاهده رنج مردم در محاصره ی غزه که به علت فقدان سوخت مجبور شده بودند از الاغ برای انتقال مسافر و کالا استفاده کنند، بوجد آمده و آنها را مسخره کرده بود که به، الاغ سواری افتاده اند. حالا آنها میتوانند شاد باشند که کمیته صلیب سرخ را هم به، الاغ سواری، واداشته اند.

اما گزارش امدادگران شریف صلیب سرخ و اجبارشان به الاغ سواری، میلیون ها تن را به گریه انداخت و به خشم در آورد. این گزارش تکان دهنده که روز چهاردهم حمله در سراسر جهان منتشر شد، بخشا در مقاله ای در روزنامه گاردین بازتاب یافت* که چکیده ای از آن را میخوانید. "کارکنان کمیته بین المللی صلیب سرخ در یکی از خانه ها، چهار کودک نیمه جان را پیدا کردند که روی اجساد مادران شان چمپاتمه زده بودند. صلیب سرخ اسرائیل را متهم کرد که بطور غیرقابل پذیرشی، در راه دسترسی گروه پزشکی سازمان ملل به زخمی ها تاخیر ایجاد کرده اند. بچه های خردسال که کاملا از پای افتاده بودند در یکی از خانه های محله زیتون توسط کارکنان صلیب سرخ پیدا شدند. آنها در کنار اجساد مادران شان در جنوب غزه پناه گرفته بودند. یک مرد دیگر نیز هنوز زنده بود، ولی او هم آن قدر ضعیف بود که نمی توانست بایستد. حداقل 12 جسد در تشک ها پیدا شد.

در خانه مجاور 15 نفر را پیدا کردند که زنده مانده اند، چند تن از آنها مجروح بودند. سه جسد دیگر در خانه سوم پیدا شد. روز چهارشنبه یک داوطلب فلسطینی که همراه صلیب سرخ و سوار بر ماشین صلیب به غزه وارد شد تعریف کرد آنها از کنار ده ها جسد عبور کردند. بین کسانی که روز دوشنبه در حمله به خانه ها کشته شدند سه پسر بچه خردسال، همه از خانواده سامونی و برادر بودند.

صلیب سرخ میگوید سربازان اسرائیلی در فاصله ای کمتر از 80 متر برای خود چند مقر درست کرده اند و از جمله دو تانک در اختیار داشتند. Pierre Wettach سرپرست کمیته امداد صلیب سرخ برای اسرائیل و فلسطین میگوید: این تکان دهنده است. ارتش اسرائیل می بایست از این وضعیت اطلاع داشته باشد، ولی آنها نه به زخمی ها کمک کردند و نه گذاشتند ما یا صلیب سرخ فلسطین به زخمی ها کمک کنیم.

صلیب سرخ از وقتی که اسرائیل در روز شنبه حمله زمینی را آغاز کرد و ارتش اسرائیل درخواست کرد اجازه دسترسی به محله زیتون را بدهد. ولی تنها آتش بس سه ساعته در روز چهارشنبه برای آنها امکان را فراهم کرد که سفر خطرناک خود را عملی کنند. صلیب سرخ میگوید اسرائیل با جلوگیری از دسترسی به زخمی ها قوانین بین المللی انسانی را نقض کرده است و تاخیر در دسترسی به زخمی ها غیرقابل پذیرش است. در حالی که انتقادات بین المللی به اسرائیل به شدت افزایش می یابد، سازمان ملل که تامین غذای 750000 نفر از ساکنین غزه را برعهده دارد اعلام کرد:، از آنجا که اسرائیل کارکنان و تاسیسات این سازمان را زیر حمله میگیرد، تمام فعالیت های امدادگرا نه خود در نوار غزه را متوقف می کند. امروز پنجشنبه، دو راننده یک کامیون سازمان ملل که بطور واضح علامت این سازمان بر آن نقش بسته بود، زیر حمله توپخانه اسرائیل قرار گرفته و کشته شدند. اسرائیل به یک مدرسه سازمان ملل حمله کرده و 46 فلسطینی را که در آن پناه گرفته بودند کشته است.

امروز پنجشنبه، در طول سه ساعت توقف حمله 35 جسد دیگر را از زیر آوارها در غزه بیرون کشیدند. تعداد مقتولین فلسطینی ها طی نزدیک دو هفته بمباران هوایی، شلیک با توپ، جنگ زمینی اکنون به حدود 750 تن رسیده و 3000 نفر زخمی شده اند و ارقام با کشف اجساد زیرآوار به سرعت بالا میرود. [تا پایان روز جمعه 9 ژانویه رقم کشته ها به گزارش الجزیره به بیش از 800 رسید، برای زخمی ها ارقامی بین 3200 و 3400 را ذکر کرده اند].

جان گینگ مدیر امداد انسانی سازمان ملل UNRWA در غزه گفت تصمیم سازمان ملل به توقف امداد، حقیقتا قلب ما را به درد می آورد. در شرایطی که مردم در اینجا در وضعیت هولناکی به سر می برند و حقیقتا به ما نیاز دارند، اتخاذ این تصمیم برای ما بسیار بسیار دشوار بود. گینگ گفت مواردی، که نیروهای سازمان ملل زیر حمله قرار گرفته اند، آنقدر زیاد شده که سازمان ملل، اعتماد به مکانیسم موجود در آنجا را از دست داده است. ما واقعا آمادگی تقبل خطر را داریم. ولی چیزی باید تغییر کند. تضمین های ی زبانی دیگر اعتبار خود را از دست داده است.

امروز یک سرباز اسرائیلی کشته شد و تعداد مقتولین طرف اسرائیلی به 11 رسید که سه تن آنها غیرنظامی هستند. در حالیکه منازعه تشدید میشود، شواهد چشمگیر نیروهای امداد پزشکی صلیب سرخ و شاهدان فلسطینی نشان میدهد یکی از بدترین موارد کشتار شهروندان غیرنظامی طی حمله اسرائیل در خانه های زیتون در جنوبی شرقی غزه روی داده است که اسرائیلی ها از تانک به آنها شلیک کردند و ده ها کشته بر جای گذاشتند. سربازان اسرائیلی دیوارهای بزرگ دور منطقه ایجاد کرده بودند که ورود آمبولانس را غیر ممکن کرده است. نیروهای پزشکی دیروز برای انتقال 18 زخمی و 12 فلسطینی نیمه جان که از خرابه های زیتون بیرون کشیده شده بودند از الاغ استفاده کردند. به نظر میرسد تعداد بیشتری زخمی در خانه های مجاور مانده باشند. صلیب سرخ می گوید بر اساس قوانین بین المللی ارتش اسرائیل و گروه های مسلح فلسطینی باید به هر وسیله ممکن برای ایجاد کردن، جمع آوری و انتقال زخمی ها تلاش کنند. حمله به نیروهای پزشکی، بیمارستان ها و وسایل نقلیه ممنوع است. اما ارتش اسرائیل تا کنون بیش از 20 پرسنل پزشکی را کشته است.

گزارش تایمز از کاربرد بمب فسفر سفید در غزه:

تایمز آن لاین* در 8 ژانویه گزارش داد شواهد فوتوگرافیک به دست آورده است، که علیرغم انکار مقامات وزارت دفاع اسرائیل اثبات میکند اسرائیل طی حمله به غزه از بمب های حاوی فسفر سفید (WP) استفاده کرده است. تایمز اضافه کرد:، همچنین شواهدی در دست است که نشان میدهد مجروحین فلسطینی که در معرض حمله باین سلاح قرار گرفته دچار سوختگی های بسیار عمیقی شده اند. تایمز یادآوری کرد: طبق قوانین بین المللی استفاده از فسفر سفید در جنگ ممنوع است، تایمز نوشته است تصاویری که به دست آورده، از واحدهای توپخانه مستقر در مرز غزه و اسرائیل گرفته شده اند.

به گزارش تایمز این سلاح های حاوی، The pale blue 155mm rounds، به روشنی علامت، M825A1، را دارند که ساخت امریکو نوع پیشرفته آن است. به نوشته تایمز سربازان اسرائیل در آغاز حمله این سلاح ها را شلیک میکنند که دود سفیدی ایجاد میکند و سپس به صورت انبساطی از اشعه سفید منتشر میشود.

گزارشگران تایمز نخستین بار وقتی وجود این سلاح ها را کشف کردند که ارتش اسرائیل هنگام حمله زمینی در پایان هفته اول از آن در غزه استفاده کرد. شب چهارشنبه گزارشگران از وجود زخمی هایی در بیمارستان شفا مطلع شدند که دچار سوختگی عمیق بودند. یک پزشک و یک مددکار پزشکی به آنها گفتند: این سوختگی ها غیرعادی هستند.

زخم سوختگی از نوع درجه سه است و ما قادر به کنترل سوختگی نیستیم. به گزارش تایمز وقتی قطعات بمب فسفوری در بدن مجروح میمانند، سطح گوشت را با آب پر فشار می شویند و قطعاتی را که نمیتوان خارج کرد با گاز آغشته به روغن سالین می پوشانند. یک پزشک بیمارستان شفا از واحد سوختگی به تایمز گفت من با زخم های ناشی از سلاح های فسفوری آشنا نیستم. ولی این زخم ها غیرعادی است.

اسرائیل نخست استفاده از بمب های فسفوری را انکار میکرد، ولی وقتی تایمز شواهد را به آنها نشان داد یک خاتم سخنگوی ارتش اسرائیل [اسرائیل بر اساس برنامه تبلیغاتی خود سخنگویان زن را در مقابل دوربین ها میگذارد و این امر به اعتراض زنان پیشرو نیز انجامیده است] گفت: این ها خالی است! ما به آنها میگوییم بمب های ساکت،

اول دو سه تای آنها را شلیک میکنیم که ببینیم هدف را درست نشانه رفته ایم بعد بمب های اصلی را شلیک میکنیم. اینها آدم را نمی کشند. این نوع توجیه که در رابطه با مساله ای به این مهمی به معنای به مسخره گرفتن مخاطب است نشان میدهد اسرائیل با اطمینان به تسلط بر رسانه های بزرگ انحصاری که تقریبا نقش رسانه های دولتی در کشورهایی مثل ایران را بازی میکنند خود را از توجیه عملیات خود بی نیاز می بیند. وقتی گزارشگر از خاتم مزبور پرسید پس ارتش اسرائیل برای ایجاد آن پرده های سفید دود که بطور واضح در فیلم ها دیده میشود از چه استفاده میکند، او پاسخ داد: ما از چیزهایی که دیگران استفاده میکنند، استفاده میکنیم! اما Neil Gibson یک متخصص مهمات موشکی به تایمز گفت:، M825A1، سلاح بسیار پیشرفته فسفوری است که بعد از پرتاب با وسایل انفجاری در فاصله 3-4 ثانیه شروع به سوختن میکند بعد 5 تا 10 دقیقه به سوختن ادامه میدهد. Marc Galasco از دیده بان حقوق بشر در مراجعه گزارشگر تایمز تاکید کرد:، به نظر میرسد که اسرائیل با استفاده از سلاح های فسفوری در منطقه ای با تراکم جمعیت بالا قوانین مربوط به تلاش برای جلوگیری از آسیب به افراد و اموال غیر نظامیان را نقض میکند. تصاویر رسانه ها نشان میدهد از

گسترش اعتراض جهانی به کشتار در غزه! گزارش تظاهرات شبیه در کشورهای غربی

روشنگری تظاهرات اعتراضی به 15 روز بمباران و کشتار در غزه در کشورهای مختلف جهان، در روز شنبه نسبت به هفته قبل تعداد بیشتری شرکت کننده را به خود جلب کرد و به عقیده بعضی از تحلیل گران گزارشگران این امر نشان میدهد اطلاعات منتشر شده از غزه علیرغم محدودیت های خبری افکار عمومی را نسبت به فاجعه ای که در غزه می گذرد آگاه تر کرده است. در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان، سوئد، فرانسه اتحادیه های کارگری در سازماندهی تظاهرات نقش داشتند. جمعیت مسلمان کشورهای غربی و فلسطینی های مهاجر نیز طبیعتاً در این تظاهرات ها بسیار فعال بودند. در برخی از کشورها مثلاً سوئد برخی نمایندگان پارلمان و مقامات سیاسی در تظاهرات کردند.

در پاریس: تظاهرات عظیمی به دعوت تجمع برای صلح پایدار و عادلانه بین اسرائیل و فلسطین، صورت گرفت که سازمان دهندگان تعداد شرکت کنندگان آن را 100000 و رسانه های بزرگ ده ها هزار نفر خواندند. تظاهرکنندگان به شدت از بی عملی نهادهای بین المللی و مهلتی که برای ادامه قتل عام به رژیم اسرائیل داده شده خشمگین بوده و خواهان اقدام دولت سارکوزی برای اعمال فشار و توقف حمله نظامی بودند.

در لندن: تظاهر کنندگان از هایدپارک به طرف سفارت اسرائیل رفتند. سازمان دهنده تظاهرات، ائتلاف Stop The War تعداد تظاهر کنندگان را 100000 نفر و روزنامه گاردین ده ها هزار نفر اعلام کرد. وقتی روز به طرف تاریکی می رفت گوشه ای از تظاهرات به خشونت کشیده شد که بیش از همه پوشش خبری یافت، در حالیکه تظاهرات علیرغم ابراز احساسات تند اساساً صلح آمیز پیش رفت. در پایان تظاهرات بخش کوچکی تلاش کردند به سفارت اسرائیل حمله کنند و بین این عده و پلیس برخورد پیش آمد. پلیس گفت آنها به سوی پلیس که تلاش میکرد از سفارت اسرائیل حفاظت به عمل آورد راکت پرتاب کنند. صداهای بلندی نیز شنیده میشود که پلیس گفت احتمالاً از انفجار وسایل آتش فشانی که در جشن ها به کار میروند حاصل شده بود. به گزارش گاردین طارق علی نویسنده سرشناس انگلیسی که به خاطر یکی از موسسان تریبونال راسل علیه جنگ ویتنام شهرت یافته است به خبرنگاران گفت در هر تظاهراتی همیشه عده کمی خشمگین میشوند و نتیجه گاهی به خشونت می انجامد. به نظر من خشونت هولناک چیزی است در غزه صورت میگیرد. یک درگیری کوچک در مقابل سفارت اسرائیل اهمیتی ندارد. در تظاهرات این هفته لندن نیز مثل هفته گذشته کن لیوینگستون شهردار سابق لندن و آبی لنوکس و بریایانو هنرمندان معروف شرکت کردند و در لحظاتی مردم با آندوه به موزیک انو گوش دادند. لیوینگستون در سخنرانی خود از دولت بریتانیا و اتحادیه اروپا خواست به اسرائیل فشار بیاورند تا این بقصایی را متوقف کند. طی هفته گذشته در شهرهای دیگر انگلستان هزاران نفر به اعتراض پرداختند. پرتاب کفش به سوی در آهنی کاخ نخست وزیری در داوونینگ استریت به یک شیوه عادی در اعتراض ها تبدیل شده است و پلیس از در آهنی کاخ به شدت محافظت می کند.

در آلمان: به گزارش یک خبرنگار آلمانی روز شنبه بیش از 35000 نفر در اعتراض به قتل عام در غزه به خیابان ها آمدند. بزرگ ترین تظاهرات در شهر صنعتی دویسبورگ صورت گرفت که جمعیتی بزرگی از کارگران ترک تبار در آن ساکن هستند. رسانه های رسمی تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی به کشتار در غزه در برلن را 8500 ذکر کرده اند. بسیاری از تظاهر کنندگان تصاویر کودکان زخمی را حمل می کردند. در نورمبرگ و مونیخ و دیگر شهرهای آلمان نیز تظاهرات اعتراضی برپا شد.

در تورنتو و کبک کانادا: مردم به تظاهرات پرداخته و خواهان توقف فوری حمله به غزه بودند. تظاهر کنندگان تعداد زیادی تابوت به نشانه قتل عام در خیابان چیده بودند. یکی از تظاهرات توسط زنان اسرائیلی پیشرو که از فعالین به نام حقوق بشر کانادا هستند برپا شده بود.

نوامی کلاین نویسنده و فعال اجتماعی خواهان پاکوت اسرائیل شد. او در مقاله ای به این مناسبت یادآوری کرد اکنون 500 نفر که

تکنیکی استفاده میشود که پرده دود فسفر سفید درسطوح نزدیک به زمین ایجاد میشود، که عوارض آن را به حداکثر میرساند. این امر نگرانی تشدید میشود، اما او گفت دیده بان حقوق بشر شواهدی در دست ندارد که نشان دهد اسرائیل از سلاح های سوزاننده استفاده میکند. ***

اسرائیل تمام پایه توجیه خود در این حمله را بر این مضمون قرار داده است که درحال جنگیدن با تروریست های حماس است نه مردم فلسطین، و به گفته اولمرت، ما با حماس با مشت آهنین و با مردم با دستکشی از ابریشم برخورد میکنیم. اما این توجیه بلافاصله یک حقیقت را اثبات میکند: اگر جنگ با تروریسم، و برخورد با دستکشی از ابریشم: در فرهنگ سیاسی دولت اسرائیل عبارت است از: جمع کردن شهروندان در ساختمان ها و به توپ بستن آنها، بمباران آوارگان بی پناه در مقرهای پناهندگی سازمان ملل، به توپ و بمب بستن آمبولانس ها و پرسنل پزشکی، کشتار کودکان و زنان و مردان غیر نظامی، پرتاب بمب فسفوری به منطقه ای که مترامک ترین جمعیت جهان را به علت پاکسازی های قومی و کوچ دادن مردم به منطقه ای محصور دارد، رهاکردن یتیمان جنگی در آغوش مادران کشته شده زیر بمب ها، از گرسنگی و بی دارویی کشتن مردم و رها کردن فاضلاب در خیابان های شهر و جنایاتی مشابه آن، پس جنگ باترور، دولت اسرائیل در قلموس خود یک جنگ تروریستی، و متضمن جنایت جنگی، است علاوه بر اعمال رنج بسیار بر قربانیان خود نخستین اثری که دارد تقویت منطق تروریستی و شکوفایی هر نوع تروریسم از جمله تروریسم اسلام گرایان بنیادگراست. ناپلئون، چنین جنگی قطعاً باید یک جنایتکار جنگی باشد. بزرگ ترین قربانی چنین جنگی دموکراسی و حقوق بشر است. ستمگران اسلامی این روزها چیزی برای جشن گرفتن دارند و برای این هدیه، باید از دولت اسرائیل ممنون باشند. 21 دی 1387

*مقاله رادیو آلمان در مورد باراک

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,3912829,00.html>

*گزارش سازمان ملل 8 ژانویه

http://www.ochaopt.org/documents/ocha_opt_protection_of_civilians_weekly_2009_01_08_english.pdf

*گزارش صلیب سرخ درگاردین

<http://www.guardian.co.uk/world/2009/jan/08/gaza-israel-cross-children>

*گزارش تایمز از کاربرد بمب های فسفوری

http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article5470047_ece

بقیه: کشتار مردم غزه تجسم جنون و بربریت!

حول این مطالبات و نیز تشویق به ایجاد تشکل های متنوع مبتنی بر منافع و گرایشات واقعی، تلاش بی وقفه برای ایجاد صف مستقل حول آزادی و برابری (در سطح داخلی و منطقه ای و بین المللی)، بیبندمتقابل با مردم اعماق و آنها که از قضا بنیادگرایان بخش مهمی از پایگاه اجتماعی خود را از آنجایی گیرند، افساء مداوم مبنای و برنامه و عملکرد بنیادگرایی بریسترتجریبات زنده مردم.

نیاید فراموش کنیم که همواره خطر تسلط و تسلط انحصاری بر یک جنبش یک دست و دارای یک صدای واحد وجود دارد. برعکس باتدازه ای که یک جنبش، ترکیبی از جنبش های گوناگون باشد (هم بلحاظ مطالبات و هم سازمان یابی و البته بدیهی است که در این نوع جنبش ها جانی برای بنیادگرایان وجود ندارد) و تعادلی مناسب حاصل از همگرایی آنها بوجود بیاید، بهمان اندازه امکان جنگ اندازی بنیادگرایان بر جنبش های توده ای و سرکوب مطالبات لایه ها و قشرهای گوناگون و بطور کلی خطر کنترل کامل جنبش کمتر خواهد بود. اگر فرض جنبش مستقل زنان وجود داشته باشد، چنین جنبشی نه هرگز فریب بنیادگرایی را خواهد خورد و نه بنیادگرایی هرگز قدار است خود را با این خواست ها هم آهنگ کند. و یابخوان نمونه ای دیگر در لبنان، بدون آنکه بخوایم از آن الگودرست کنیم، تاحدمعینی بدلیل وجود تنوع و تکثر در صفوف اپوزیسیون، حزب الله لبنان علیرغم داشتن نفوذ گسترده، تاکنون نتوانسته است گفتمان و خواست های خود را بر جنبش دیکته کند. بهمین دلیل ندان روی جگر گذاشته و متلاً بی حجابی را در سطح جامعه و در صفوف اعتراضات مشترک تحمل می کند و بفکر اسید پاشی و غیره نیفتاده است. بی شک در صورتی که تعادل قدرت بطور چشم گیری بسود او بهم بخورد، وضعیت کنونی نیز پایدار نخواهد ماند.

87-10-20-09-01- 2009

کشتارهای غزه،

ادامه منطقی سیاست های اسرائیل است

بهر روز عارفی

«ما تمایل نداریم تهاجم گسترده ای به نوار غزه آغاز کنیم، ولی ما احتمالا چاره دیگری نخواهیم داشت. ما این موضوع را کنار نمی گذاریم حتی در برابر داوری منفی بقیه جهان»



از مصاحبه یهود باراک با عصر مدرن، در مارس 2008، ده ماه پیش (به نقل از لوموند 7 ژانویه 2009)

«وزیر دفاع» کنونی اسرائیل، ده ماه پیش نقشه حمله به غزه را اعلام کرده بود. تهاجم خونباری که تا این لحظه بیش از 800 کشته و 3300 زخمی داده است (لوموند 9 ژانویه)، بخشی از استراتژی دولتمداران اسرائیلی در تحقق امیال سلطه طلبانه ای است که همه رهبران اسرائیل از بن گوریون تا آریل شارون به آن اعتراف کرده اند.

بن گوریون در سال 1947 می گفت: «وقتی نیرومند شدیم، تقسیم را ملغی کرده و بر تمامی سرزمین [فلسطین] مسلط خواهیم شد» (لوموند 24 آوریل 2001). همین حرف را آریل شارون بصورتی دیگر تکرار می کند: «جنگ استقلال به پایان نرسیده است! نه جنگ 1948 تنها فصل اول از تاریخی بود که باید نوشته شود» (همانجا)

هدف نابودی فلسطین، و اشغال سرزمین های فلسطینی است. باید هر طور شده شرایط ایجاد دولت فلسطین را از میان برد. در کرانه باختری با ایجاد بانتوستان ها و حکومت آپارتاید و در غزه با جنگ و گتوسازی.

پس، بهانه را فراموش کنید. دولت اسرائیل منتظر فرصت بود تا به غزه حمله کند. اگر در غزه بجای حماس، یک نیروی فلسطینی مرفقی نیز بر سرکار می بود، اشغالگران اسرائیلی نقشه دیگری میچیدند. بویژه که وضعیت دولت کنونی در آستانه انتخابات ماه فوریه اسرائیل، بسیار نامطلوب بود، پس غزه قربانی کارزار انتخاباتی اسرائیل شد و البته این تنها دلیل نبود. پاکسازی قومی که صهیونیست ها در سال 1947 در فلسطین آغاز کردند، خاتمه نیافته است. چند هفته پیش بود که تزیبی لیونی، وزیر امور خارجه اسرائیل صحبت از «انتقال» یک میلیون عرب اسرائیلی به فلسطین (پس از تشکیل دولت ان) کرد.

قتل عامی که اسرائیل در غزه برپا کرده است، در گسترده گی و وحشیگری خود بی سابقه است. سازمان ملل و ارگان های وابسته اش (یونیسف و اونروا) اسرائیل را متهم به جنایت جنگی می کنند و تصویر کودکان در خون خفته جهان را تکان می دهد. اما، اسرائیل بی اعتنا به قوانین بین المللی به جنگ و وحشیانه اش در یک باریکه زمین ادامه می دهد و یک میلیون و نیم مردم غزه در بدترین شرایط زیستی بسر می برند.

در زیر چند مطلب گوناگون درباره این رویداد خونین از نظرتان می گذرد. نوشته لیلا الحداد، سه سال پیش در لوموند دیپلماتیک آمده است که انتشار مجدد آن را خالی از فایده ندیدم. رنج فلسطینی ها، با گذشت زمان تنها چند برابر شده است.

پیام مروان برغوتی - از روزنامه اومانیته، نهم ژانویه 2009
من از همه فلسطینی ها، شهر وندان کشورهای عربی و مسلمانان، همه مردم آزادیخواه جهان دعوت می کنم که به بسیج خود علیه تجاوز اسرائیل در نوار غزه ادامه دهند تا به این قتل عام خونین که با شدتی فوق العاده و بیشترین خشونت ادامه دارد، خاتمه دهند. من این تجاوز، تهاجم و نابودی نوار غزه را محکوم می کنم.

من به اراده بزرگ فلسطینیان در مقابله با تجاوز و مقاومت شجاعانه شان برای وارد آوردن ضربه سنگین بر متجاوزین و مهاجمین درود می فرستم.

من همچین به همه فلسطینی ها، چه در کرانه باختری و بیت المقدس و چه در اردوگاه های پناهندگان و چه در مهاجرت، به همه خلق های ملل

خود یهودی هستند نیز طی نامه ای خواهان پیوستن به کارزار بایکوت اسرائیل شده اند.

در ایتالیا : هزاران نفر در میلان، تورین و فلورانس علیه ادامه کشتار در غزه به تظاهرات پرداختند. در کنسولگری اوکلند به سوی سفارت آمریکا کفش پرتاب کردند.

به گزارش رادیو نیوزیلند تظاهر کنندگان پلاکاردهایی حمل میکردند که روی آن نوشته شده بود: اسرائیل، آمریکا، امروز چند بچه را کشتید؟

در اسلو : پایتخت نروژ روزهای پنج شنبه و شنبه شاهد یکی از بزرگ ترین تظاهرات ها علیه کشتار در فلسطین بود. افکار عمومی در نروژ به علت گزارش دو پزشک نروژی از غزه در جریان چگونگی قتل عام مردم بی دفاع قرار گرفته اند و خشم عمومی برانگیخته شده است. روز پنج شنبه اعتراضات در مقابل سفارت اسرائیل به خشونت انجامید و پلیس از اشک گاز آور برای مقابله با تظاهر کنندگان استفاده کرد. پلیس روز شنبه تصمیم گرفت برای جلوگیری از تکرار حوادث روز پنج شنبه مانع راه پیمایی به طرف سفارت اسرائیل شود.

در استکهلم : تظاهرات اعتراضی بزرگی صورت گرفت که شرکت کنندگان آن را رسانه های رسمی حداقل 12000 نفر ذکر کرده اند. سازمانگران و مدیای اینترنتی هنوز شمار تظاهر کنندگان را اعلام نکرده اند. مونزالین رهبر حزب سوسیال دمکرات و یان الیاسون که سابقا وزیر خارجه و نماینده سوئد در سازمان ملل بود و بسیاری از شخصیت های سرشناس دمکرات و مدافع حقوق بشر در این تظاهرات شرکت کردند.

در یونان : در روز جمعه بیش از 6000 نفر در مقابل سفارت اسرائیل به اعتراض پرداختند. شعارها بر توقف حملات به غزه متمرکز بود. روز شنبه 4000 نفر در مقابل سفارت اسرائیل گرد آمدند و علیه رژیم اسرائیل شعار میدادند. برخی بطرف سفارت و پلیس سنگ پرتاب کردند ولی تظاهرات به خشونت کشیده نشد.

در کشورهای آسیایی و آفریقایی نیز تظاهرات متعددی صورت گرفت که بزرگ ترین آنها در مالزی و مصر انجام شد. در بیشتر کشورهای عربی اعتراضات مردم زیر فشار رژیم های استبدادی قرار دارد که مردم معترض دولت های خود را متهم به همکاری با اسرائیل در قتل عام می کنند. با وجود این علیرغم فشارها در روز جمعه 100000 نفر در تظاهرات اسکندریه شرکت کردند. دولت الجزیره تظاهرات را ممنوع کرده است، ولی روز شنبه مردم علیرغم این ممنوعیت به خیابان ها ریختند و به تظاهرات و اعتراض به بمباران ها پرداختند. رسانه ها گزارش دادند از برخورد پلیس و تظاهر کنندگان 63 زخمی به جای ماند. رادیو دولتی الجزایر خبر داد در این برخوردها 23 پلیس و 40 تظاهر کننده زخمی شده اند. تظاهر کنندگان به سوی پلیس سنگ پرتاب میکردند.

به گزارش شبکه الجزیره یکی از شهرهایی که در آنها کمتر از همه مردم به خیابان ها روی آورده اند ساحل غربی است که تحت اشغال اسرائیل است و اداره آن به محمود عباس "رئیس جمهور" رسمی سپرده شده است. دوره ریاست جمهوری عباس رسما روز جمعه 9 ژانویه خاتمه یافت.

روزنامه ایندپندنت نوشته است در غزه نیروهای امنیتی عباس به شدت با معترضین مقابله می کنند و هر حرکتی حتی به دست گرفتن یک پرچم یا نوشتن یک شعار فوراً به دستگیری می انجامد. مقامات وابسته به عباس این امر را انکار میکنند. 22 دی 1387



عربی و مسلمان و همه پیشروهای سراسر جهان که با خلق فلسطین ابراز همبستگی می کنند، درود می فرستم.
 من همه سازمان های فلسطینی، کلیه نیروهای ملی با همه گوناگونی اش را به وحدت دعوت می کنم تا با تجاوز مقابله کرده و همه اختلافات را پشت سر بگذارند، زیرا هدف حمله اسرائیل، خلق فلسطین در کلیت ان است و قصد نابودی اراده او را دارد. الفتح و اعضای آن بخش لاینفکی از نبرد برای مقابله با تجاوزند. خون شهیدان از ما، پایان سریع انشعاب کنونی و ایجاد وحدت ملی را طلب می کند.
 باید بر پایه سند آستی، اصول ملی و انتخاب دموکراتیک، گفتگوی ملی برقرار کرد. باید به یک همکاری ملی در درون سازمان آزادی بخش فلسطین و تشکیلات خودگردان فلسطین در مبارزه با اشغال دست یافت.
 مسئله حیاتی کنونی، اتحاد و انسجام و گذشتن از روی زخم ها (که از مبارزه درونی بلزمانده است) برای مقابله با تجاوز و پایان دادن به محاصره و ادامه پیشروی بسوی آزادی ملت مان، حق بازگشت پناهندگان و استقلال است.

در غزه ، « جهان به روی ما بسته میشود»

لیلا الحداد روزنامه نگار مقیم غزه که دارای یک بلاگ اینترنتی است
<http://a-mother-from-gaza-blog-spot.com> اوت 2006



پس از تخلیه غزه در ماه اوت ۲۰۰۵، نیروهای اسرائیلی روش های جدیدی علیه اهالی غیر نظامی بکار بردند که بطور شدیدی نامنتاسب بود. هدف اعلام شده آنان، نابودی نیروی موشکی فلسطینی ها بود. در اثر انفجارات، صحنه های وحشت بار بوجود آمد و باعث رعب همه مردم شد. بنا بر اظهارات ماموران سازمان ملل متحد، در فاصله مه و ژوئن هشت هزار بمب بر سر مردم بارید.
 ما در هیاهوی گلوله باران ها، در طنین بمب هائی که در چند کیلومتری خانه هایمان منفجر میشد، میخوابیدیم. هنگام خواب ما، بمب میریختند، هنگام نماز صبح، باز هم بمب میریختند. اسرائیل گذرگاه المنظر را دانما بسته است، کالاهای مورد نیاز از این نقطه عبور می کرد. تابلویی با کلمات زیر در آنجا نصب شده است: «تدابیر امنیتی». این تصمیم موجب شد که میلیون ها دلار به کشاورزان و بطور عام به اقتصاد ما خسارت وارد شود. (در اینجا، فاسدشدن مواد غذایی و داروها را به حساب نیاوردی).

آن چه را که من احساس میکردم، بهتر از من محمود درویش، شاعر فلسطینی بیان کرده است: «جهان بر روی ما بسته میشود». در مقابل قدرتی هراسناک، بزرگ تر از زندگی، که بنظر می آید هر روز رشد کرده و دگرگون میگردد، احساس ناتوانی و خرد شدگی میکردیم. در هیچ جا، از دست این ضربات در امان نبودیم.

آدم خرد میشود، این احساس که ما را به حال خود رها کرده و طرد کرده اند، مثل خوره وجودمان را میخورد. آدم خودش را حتا در میان یک و نیم میلیون نفر انسان دیگر، تنها حس میکند. در حالی که در انتظار اصابت خمپاره ها به آسمان نگاه میکردم، یا با نگاه هلیکوپتر هائی را تعقیب میکردم که در روشنائی مهتاب، سینه آسمان را میشکافتند تا به هدف شان نزدیک شوند، از خود می پرسیدم که آیا «آن ها مرا می بینند؟». و هنگامی که بمباران ها را از سر میگرفتند، تخیلاتم بر من چیره میشد. جوان ۱۸ ساله ای را میدیدم که در اثر دلنتگی از تنهائی در مرز، خمپاره های خود را هر دو دقیقه یک بار خالی میکرد. گاهی خود را ول میکردم و دستم را بسوی آنها، به آسمان بلند میکردم. آیا صدای مرا می شنیدند؟ غزه مانند جهنمی بود بر روی زمین. ساکنانش از هر طرف در محاصره بودند. آزادی های بنیادی آنان سلب شده بود. حقوق و حاکمیت شان را از دست شان گرفته اند. با این همه، آنان تسلیم سرنوشت میشوند. آیا

شگفت انگیز است که در چنین شرایطی، بر طبق آخرین نظرسنجی، اکثریت بزرگی از فلسطینی ها خواهان تعویض گروگان های اسرائیلی باشند؟
 آن چه از دیده برخی حیرت آور جلوه خواهد کرد، تمایل ۶۵ درصد از فلسطینیان برای از سرگیری مذاکرات با اسرائیل است. اسرائیل، به جای پاسخ مثبت به دست های دراز شده، شهرهای ما را بمباران میکند، کمک های مالی ما را مصادره میکند، مرزهای ما را می بندد. و آن هم به بهانه نداشتن مخاطبی معتبر، حالا حزب یا شخص صاحب قدرت هر که باشد. هنگامی که در سپتامبر ۲۰۰۵، من فروریختن دیوار میان غزه و مصر در رفح را گزارش میدادم، دو پسر بچه فلسطینی نظرم را جلب کردند. آن ها بیش از ۹ سال نداشتند و در پانین دیوار جست و خیز میکردند. دیواری که مدت ها پیش، ما را از شهر مجاور در آن سوی مرز درمصر جدا میکرد. از آن ها پرسیدم که در آن جا چه میکنند؟ پاسخ دادند که آنها هرگز به بیرون از اردوگاه پناهندگانی که در آن زندگی میکنند، واقع در جنوب غزه پای ننهادند. آن ها میخواستند ببینند که جهان دیگر و مردمان دیگر چگونه هستند. آیا مثالی بهتر از این برای نشان دادن انزواي ما وجود دارد؟

« اگر یک فلسطینی بودم ...»

یوسی سارید، استاد دانشگاه در اسرائیل- اومانیته، 8 ژانویه 2009
 «در این هفته، در چارچوب درسی درباره امنیت ملی، با دانشجویانم از غزه صحبت کردم. دانشجویی که برخوردش بیشتر محافظه کارانه بود(عموما، این دانشجویان تا حدی راست گراند) شرکت در بحث را پذیرفت و مرا در حیرت انداخت. او بدون این که برخورد تحریک آمیز عامدانه ای داشته باشد، سر زبانش باز شد و اعتراف کرد که: «اگر من یک فلسطینی جوان بودم، به شدت با یهودیان مبارزه می کردم، حتی از راه ترور. هر که سخن دیگری بگوید، دروغگوست.»
 این گفتار بنظرم آشنا آمد و ناگهان بیاد آوردم که حدود ده سال پیش، وزیر دفاع کنونی ما، ایهود باراک این کلمات را بر زبان آورده است. گیدئون لوی، روزنامه نگار هارتص از وی که در آن زمان برای رسیدن به مقام نخست وزیری نامزد بود، پرسیده بود که اگر یک فلسطینی بدنيا آمده بود، چه می کرد؟ و باراک با صراحت پاسخ داده بود: «به یک سازمان تروریستی می پیوستم»

این نمی تواند با دیدگاه من یکی باشد. هدف تروریسم چه تروریسم افراد، چه سازمان ها و چه تروریسم دولت ها، همواره به قربانی گرفتن غیر نظامیان بی گناه است. تروریسم نه تنها کور است، چرا که بیگناه و گناهکار را با هم هدف قرار می دهد، بلکه همچنین دایره خشونت را نیز وسیع تر می کند: خون ما بر عهده ان ها و خون ان ها بر عهده ما ست. و هنگامی که بر روی خون بیگناهان حساب باز شود، چه کسی می تواند تمام ان را بپردازد، و در چه زمانی؟

من از همه تروریست های جهان تنفر دارم، حالا نتیجه نبرد ان ها هرچه باشد. با این همه، من از همه شورش های مدنی فعال علیه هر اشغالی پشتیبانی می کنم و اسرائیل از اشغالگران است و حتی تحقیر آمیز ترین آنان. چنین شورش های هم عادلانه است و هم موثرتر و نیز ماهیت انسانی شورش را نشان میدهد. شاید من برای درک هدف های یک تروریست خیلی پیر باشم.

اما، باید یادآوری کرد که اگر یک جوان و یک دانشجوی عادی چنین جواب غیرارادی می دهد، پاسخی که با بیش من متفاوت است، و اگر این پاسخ از زبان یک ژنرال ارتش اسرائیل (ایهود باراک) بیرون می آید، پس باید از خود پرسید که چه زمانی، فرزند آدمی تصمیم بدی گرفته است. اگر مسائل وارونه شوند، فرزند دردانه ما اجبارا یک تروریست نفرین شده خواهد شد، زیرا او به نسل سوم یا چهارم پناهندگانی تعلق دارد که زیر اشغال و خفقان بزرگ شده اند و لذا راه نجات در کجاست؟ این کودک چیزی ندارد از دست بدهد، مگر زنجیرهایش....

(....) جوانائی که آینده ای ندارند، به سادگی به آینده خود پشت می کنند، آینده ای که برای آنان، چشم اندازی در افق ندارد. گذشته ان ها مملو از فقر و چرکین است و زمان حال نفرت بار همراه با بیکاری شان راه را بر روی هر امیدی بسته است. مرگ آنان بر زندگی شان ترجیح دارد و مرگ آنها بازهم بر زندگی ما سرکوبگران ترجیح دارد، آن ها مسئله را این چنین می بینند (...)

خلق بد یا خوب وجود ندارد، رهبرانی وجود دارند که غیر مسئولانه و ابلهانه برخورد می کنند. و اکنون ما با کسانی می جنگیم که احتمالا همان کاری می کردند که ما، اگر ما به مدت چهل و یک سال و نیم بجای آنان بودیم.

ایوری اونری، گوش شالوم شنبه سوم ژانویه

«تزییی لیبونی به روشنی بیان کرد که هدف نابودی حکومت حماس در غزه استنف پس موشک های قسام بهانه است.»

ایوری اونری، گوش شالوم شنبه سوم ژانویه

«یاکو (یعقوب) پری رئیس پیشین شین بت به من گفت که «ما ان حماسه را ایجاد نکردیم ولی از ایجاد آن جلوگیری نیز نکردیم.»

«میگوند اسکوتو بروکمان رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، 27 نوامبر 2008:

اسرائیل را متهم به آپارتاید کرد و خواهان بایکوت و مجازات و عدم سرمایه داری در اسرائیل شد.»

ریچارد فالک نماینده سازمان ملل برای فلسطین و استناد دانشگاه پرینستون اسرائیل را متهم به جنایت علیه بشریت کرد (گاردین 19 دسامبر 2008)

او گفت که یاسر عرفات در دسامبر 1988 اسرائیل را برسمیت شناخت ولی نتیجه را دیدیم.

صلح تنها در اثر شکست استراتژی اشغالگرانه و توسعه طلبانه اسرائیل حاصل می شود. برای برقراری صلح، دو طرف مساوی با هم ضروری است.

تربیبون دو ژنو:

«گرسنگی دادن به غیر نظامیان در حقوق بین المللی جنایت جنگی است»

میشل وارشاوسکی، اومانیته 5 ژانویه:

کشتار خون بار در غزه، خوش خدمتی بین المللی

واژه ها یاری بیان این جنایت را ندارند

فرومایی نشان می دهد که چند صد کشته غزه مضمونی انتخاباتی برای اسرائیل است

باراک که مست قدرت است فراموش می کند که یک تهاجم نظامی اضافی، می تواند شکستی بیار آورد که به بیراهه بکشد.»

لیلا شهید، سفیر فلسطین در اتحادیه اروپا:

فیگارو 5 ژانویه

«این تهاجم حماس را مستحکم تر کرده، فلسطینی ها نابود می کند. چگونه میتوان باور کرد که بیمارستان، ساختمان مجلس و دانشگاه هدف نظامی اند.»

«اگر شکاف میان تشکیلات خودگردان و حماس وجود نداشت، تهاجم به این گستردگی صورت نمی گرفت. زمان آن رسیده که ما مصالحه کنیم.

گفتگو اکیدا ضروری است تا آرمان فلسطین بتواند زنده بماند و برای این کار بیشتر به اراده سیاسی درونی نیازمندیم تا کمک میانجی های عرب و دیگران.

باید درک کنیم که تاکتیک اسرائیل در تفرقه انداختن میان ما، برای حکمرانی راحت تر بوده و ما را به سوی نیستی سوق می دهد.

جامعه مدنی می داند که تهاجم، یک خلق را نشانه گرفته و نه تنها غزه و حماس را

باید تراژدی غزه به اعزام نیروهای حفاظت کننده خارجی منجر شود.»

از مصاحبه صالح عبدالجواد، استاد تاریخ دانشگاه بیرزیت

خلاصه ای از مقاله مندرج در هارتص، دوم ژانویه 2008



«خواست اسرائیل ایجاد شرایطی است که نابودی نه تنها موجودیت سیاسی فلسطین بلکه جامعه فلسطین میسر گردد. هدف ایجاد نوعی یاس و دلسردی و تحمیل خشونت روزمره است تا فلسطینی ها را بجان هم اندازد.»

فرضیه دیگری نیز وجود دارد، این که اسرائیل میخواهد حماس را نه تنها در غزه بلکه در کرانه باختری نیز تحکیم نماید. حتما حماس از نظر

نظامی شکست خواهد خورد ولی از این شرایط دوباره سربلند بیرون خواهد آمد.

اسرائیل در حطاست.... زیرا «بخش بزرگی از خلق ما در اثر حوادث، از مرگ هراسی ندارند. تمام این ضربه های اسرائیل به مردم ما اتکان می دهد تا آخر خط بروند و اسرائیل از درک این نطلب ناتوان است ...

اسرائیل زندانی پارادایم نظامی اش است ... اسرائیلی ها چیزی از فلسطینی ها نمی دانند. در 15 سال گذشته من توانسته ام تنها سه بار به بیت المقدس بروم در حالی که در 15 کیلومتری خانه ام قرار دارد. من از سال 1993 به این سو، دریا را ندیده ام.

نشریات فلسطینی هرروز 6-7 مقاله از مطبوعات اسرائیل ترجمه می کنند ولی برعکس، روزنامه های اسرائیل حتی روشن ترین شان نظیر هارتص، تقریبا هرگز مقاله ای از یک نویسنده فلسطینی چاپ نمی کنند.

از لوموند 6 ژانویه 2009 *****

برگرفته از برنامه رادیو France Inter ساعت 15 روز 6 ژانویه 2009 این برنامه نادر و بسیار ارزنده را دانیل مریمه اداره می کند.

<http://www.radiofrance.fr/franceinter/em/labassijysuis>

ریچارد فالک Richard Falk، آمریکایی و گزارشگر ویژه ملل متحد در سرزمین های فلسطینی:

«این یک فاجعه عظیم است، جنایت جنگی است، جنایت علیه بشریت است. دلایل قطعی وجود دارد که ثابت می کند اسرائیل فرآیند دیپلماتیک را ناممکن ساخته است. جامعه بین المللی مسوولیت سنگینی بر عهده دارد که بر اسرائیل فشار آورد و آن را وادار کند تا به این عملیات خود پایان دهد. جنایتکاری های اسرائیل انکار کلیه راه حل هایی است که می تواند صلح را برای دو ملت فلسطینی و اسرائیلی به بار آورد.»



میشل وروشوفسکی Michel Warchawski، روشنفکر اسرائیلی، سخنگوی مرکز اطلاعاتی الئرناتیو:

«آنچه در غزه جریان دارد نه جنگ بلکه قتل عامی است که سومین نیروی هوایی جهان علیه مردمی غیر نظامی و بی دفاع مرتکب می شود.

(وی در پاسخ به توجیهاتی که اقدام اسرائیل را ناشی از پرتاب خمپاره از سوی حماس به شهرهای اسرائیل می دانند، می گوید) باید توجه داشت که مسأله با پرتاب خمپاره شروع نشده، غزه 42 سال است که تحت اشغال است، اشغالی که غالباً با خشونت شدید همراه بوده و شهدا و قربانیان فراوان در بین اهالی فلسطین برجا گذاشته است. علاوه بر این، از یک سال و نیم پیش، غزه در محاصره اسرائیل قرار دارد (با حمایت ایالات متحده و اروپا)، به طوری که اگر کمک های بین المللی نبود با قحطی و گرسنگی مرگبار همراه می شد. پرتاب موشک اقدامی واکنشی از سوی کسانی است که ماههاست در محاصره اند.»

شلومو ساند Shlomo Sand، مورخ اسرائیلی و استاد دانشگاه در تل آویو، نویسنده کتاب: «ملت یهود، چگونه اختراع شد؟»:

«من بسیار بسیار بیزار و افسرده ام. به نظر من اسرائیل یازهم به جنگ احمقانه ای دست زده که به هیچ رو به سمت نوعی سازش بین ما و فلسطینی ها راه نمی برد. من یک اسرائیلی هستم که در تل آویو زندگی می کنم و زیر بمباران نیستم. من به این نکته مهم واقفم که بسیاری از کسانی که در غزه بمباران می شوند از شهر یافا - تل آویو به آنجا رانده شده اند. معنای این حرف این است که من به ملتی تعلق دارم که بچه های آوارگان یافا (که من امروز در آن زندگی می کنم) را بمباران می کند. من نمی توانم فراموش کنم که آنان پناهندگانی هستند که سابقاً بر همین زمینی که من امروز اقامت دارم زندگی می کرده اند. 62 سال پیش آنها اینجا بودند و به آنجا رانده شدند و امروز بمباران می شوند. استدلال عوامفریبانه دولت اسرائیل این است که «حماس خمپاره به شهرهای اسرائیلی پرتاب می کند و او هم مثل هر دولتی حق دفاع از خود دارد.»

آری هر دولتی حق دفاع از خود دارد ولی کمتر دولتی وجود دارد که مرز

نداشته باشد. 42 سال است که اسرائیل حاضر نیست برای خود مرزی تعیین کند. 42 سال است که ما سلطه خود را بر ملتی دیگر تحمیل می کنیم. این غیر قابل تحمل است. اسرائیل حق دفاع از خود دارد، اما اسرائیل مورد تهدید نیست. کسانی که در شهرک سدروت در جنوب اسرائیل زندگی می کنند و خمپاره به سمت شان پرتاب می شود کولون (مهاجر مستقر در مستعمرات) هستند که در خارج از اسرائیل، در سرزمینی که قانوناً جزء فلسطین است، اقامت دارند و تاوان سیاست اسرائیل را می پردازند. من جزء اقلیتی از اسرائیلی ها هستم که با هرچنگ علیه فلسطینی ها دامنه اش گسترده تر می شود یعنی متأسفانه به بیهای خون آنان. من به آینده بسیار بدبینم، اما قضا و قدری نیستیم.»

گیدون لیه وی Gideon Levy، روزنامه نگار در هآرتص و عضو تحریریه آن و سابقاً مشاور شیمون پرز «به نظر من آنچه در اسرائیل می گذرد جنایت جنگی است. وقتی تصاویری را که از غزه می رسد می بینم از اسرائیلی بودنم احساس شرم می کنم. اسرائیل حق دارد در برابر پرتاب خمپاره از خود واکنش نشان دهد اما این واکنشی ست بسیار نابرابر که باعث کشته شدن دهها و دهها تن از زنان و کودکان می شود. همه اینها برای اینکه برسیم به وضعی که قبل از عملیات در آن بودیم یعنی رسیدن به توافقی که بر اساس آن پایکوت و محاصره غزه پایان گیرد. هم اکنون که با هم صحبت می کنیم افرادی در بیمارستان غزه، در راهروها بدون درمان می میرند و دنیا در برابر این وضع ساکت و بی اعتنا ست. به نظر من اسرائیل توانسته است بخشی از افکار عمومی بین المللی را گمراه کند که حزب الله و حماس و القاعده یکی هستند. باید با حماس صحبت کرد و این تنها وسیله رسیدن به هرگونه راه حلی ست. اما با وضعیت کنونی، ما خون بسیار و جوانان بسیار را به هدر می دهیم. درباره ممنوعیت حضور خبرنگاران در غزه هم باید بگویم که خبرنگاران اسرائیلی دوسال و نیم است که نمی توانند به غزه بروند و حالا هیچ کس نمی تواند برود. اسرائیل می خواهد جهانیان فقط خمپاره ای را که روی اسرائیل می افتد ببینند نه آنچه را که در غزه اتفاق می افتد. از طرف دیگر نباید فراموش کرد که مطبوعات در مغز شویی و پنهان داشتن خشونت وحشیانه ای که بر غزه اعمال می شود نقش مهمی ایفا می کنند. راه حل فقط فشاری ست که جامعه بین المللی می تواند روی اسرائیل وارد آورد. رئیس جمهوری منتخب آمریکا، باراک اوباما، هم هیچ حرفی در این باره نزده و موضعش نگران کننده است. شما از من درباره کتابی که در دست نوشتن دارم می پرسید: کتابم درباره جنایتی ست که وزیر خارجه و دفاع (لیفتی و باراک) با تهاجم به غزه مرتکب می شوند و روزی باید پاسخگو باشند.»

از شخصیت های یهودی تبار فراوان می توان یاد کرد که سیاست اشغالگرانه اسرائیل را محکوم می کنند و خواستار عدالت و آزادی برای فلسطینی ها هستند. از جمله: استفن هسل (Stéphane Hessel) از نویسندگان بیانیه جهانی حقوق بشر و سخنگوی کنونی آن، دانیل بارن بویم (Daiel Barenboim) بیانیه معروف اسرائیلی و مایسترو در ارکستر برلین، یوری اونری (Uri Avneri) و بسیاری دیگر.

گرنش اتحادیه اروپا در مقابل اسرائیل

آلن گرش - ترجمه بهروز عارفی

در روزهای هشتم و نهم دسامبر سال جاری، وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیانیه ای صادر کردند که عنوان آن «تصمیم شورای اروپا در جهت تقویت روابط دوجانبه اتحادیه اروپا و همکاران مدیترانه ای، ارتقاء رابطه با اسرائیل» بود. تحت تاثیر ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپا، اصل ارتقای روابط با اسرائیل پذیرفته شد. پاریس تصمیم داشت که این تدبیر را پیش از برگزاری نشست سران کشورهای پیرامون مدیترانه به تصویب برساند، اما در برابر خشم برخی از رژیم های عربی از جمله مصر عقب نشینی کرد (به مقاله «بررسی چرخش در سیاست خارجی فرانسه، لوموند دیپلماتیک، ژوئن 2008) مراجعه کنید. برای تصویب این متن بحث های زیادی در گرفت. نخستین نسخه پیشنهادی فرانسه که به اسرائیل امتیاز می داد با خود داری برخی شرکای اروپایی از جمله بریتانیا و بلژیک که متن «متعادل تری» را خواستار بودند، روبرو شد. این امر وقتی جالب تر است اگر بیاد بیاوریم که چند سال پیش فرانسه به طرفداری از اعراب متمم بود.

اشاره شود که این متن درست روزی به تصویب رسید که ریچارد فالک، کارشناس سازمان ملل متحد در مورد حقوق انسانی در سرزمین های فلسطینی خواهان برقراری «معیارهای رسمی در مورد «مسئولیت حفاظت» اهالی غیر نظامی بود که بصورت دسته جمعی توسط سیاستی تزییه می شوند که از مصادیق جنایت علیه بشریت است». او در همین راستا می افزود «بنظر می رسد که مأموریت دیوان کیفری بین المللی است که درباره اوضاع بررسی و مشخص کند که آیا رهبران

اسرائیلی و فرماندهان نظامی مسئول محاصره غزه باید پس از اتهام باخاطر نقض قوانین کیفری بین المللی مورد تعقیب قرار گیرند.»

سرانجام، در متنی که اتحادیه اروپا گذراند، به سیاست مجاورت اروپا با مراکش، تونس و تقریباً همه دولت های عرب اشاره شده که کاملاً صوری است ولی به اتکای آن توانستند بند 9 را که برای اروپا اساسی بود به تصویب برسانند. این بند بر اراده شورای اروپا بر ارتقای روابط با اسرائیل تکیه دارد. البته بر این امر تاکید شده که این ارتقا باید با ملاحظه «منافع مشترک ما» عملی شود که حل کشمکش اسرائیل-فلسطین بر پایه همزیستی دو دولت را نیز در بر می گیرد.

در یک ضمیمه مفصل، خطوط راهبردی برای تحکیم ساختار گفتگوی سیاسی با اسرائیل تشریح شده است.

ابتدا برگزاری مرتب نشست های میان سران دولت ها و حکومت های اتحادیه اروپا و اسرائیل در نظر گرفته شده است. پیش از این، چنین امتیازی تنها به دولت های بزرگ نظیر چین، روسیه، هند و غیره اختصاص داشت. نخستین اجلاس قرار است در دوره ریاست جمهوری چک بر اتحادیه اروپا برگزار شود. یادآوری شود که بنا بر گفته یک کارمند عالی رتبه در بروکسل، «این کشور نه از سیاست حکومت اسرائیل بلکه از سیاست حزب لیگود دفاع می کند.»

در وهله دوم، برقراری مرتب، دست کم سه بار در سال، نشست میان وزیران امور خارجه پیش بینی شده است که البته مطلب تازه ای نیست چرا که هم اکنون هم عملاً وجود دارد. چنین نشست هایی در زمینه های دیگر نیز برگزار خواهند شد. دعوت مرتب از مسئولان وزارت امور خارجه اسرائیل برای شرکت در کمیته سیاست و امنیت اتحادیه اروپا بخشی از این برنامه است. همچنین دعوت منظم تر از کارشناسان اسرائیلی در کمیته هایی که از جمله در مورد صلح، حقوق انسانی، مبارزه با تروریسم و جنایت های سازمان یافته و غیره کار می کنند، در برنامه گنجانده شده است. دیگر تدبیرهای اتخاذ شده عبارتند از:

برگزاری مشاوره های غیر رسمی گسترده تر درباره مسائل استراتژیکی. تشدید و افزایش تبادل نظر بر روی نکات مشخص، بویژه حقوق بشر و یهود ستیزی.

تشویق اسرائیل به پیوستن به سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا. ایجاد امکان همکاری در محل در چارچوب سیاست های امنیتی و دفاعی مشترک. در این راستا، کارشناسان اسرائیل امکان خواهند داشت که در مأموریت های خارجی اتحادیه اروپا در آفریقا و نقاط دیگر شرکت کنند.

از آنجا که اسرائیل نمی تواند در گروه آسیای سازمان ملل متحد شرکت کند، اتحادیه اروپا تلاش خواهد کرد که این کشور را در «گروه اروپای غربی و گروه های دیگر» (WEOG) جای دهد که یکی از درخواست های قدیمی اسرائیل بود. این امر به اسرائیل اجازه خواهد داد که در نهاد های گوناگون و از جمله شورای امنیت انتخاب شود.

افزایش گفتگو میان پارلمان اروپا و مجلس اسرائیل. تشکیلات خودگردان فلسطین و دولت مصر از این تصمیمات اتحادیه اروپا بشدت انتقاد کردند.

در یک مقاله روزنامه هآرتص (شماره 9 دسامبر) با عنوان «اتحادیه اروپا به رخم اعمال فشار عرب ها، ارتقای روابط با اسرائیل را تصویب کرد»، باراک داوید گزارش می دهد که یک هفته پیش از آن، «تزییه لیونی وزیر امورخارجه اسرائیل، برای اعمال نفوذ در میان وزیران امورخارجه و در راس آن ها برنار کوشنر (وزیر خارجه فرانسه) به بروکسل رفته بود. در نیمه های نشست، خاتم لیونی از بقیه وزیران می خواهد که سالن را ترک کنند تا وی با کوشنر گفتگوی خصوصی داشته باشد. آنان در طول این گفتگو توافق می کنند که (میان ارتقای روابط اتحادیه اروپا-اسرائیل و مذاکرات صلح) هیچ «ارتباطی» وجود نداشته باشد، اما اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه جداگانه ای خواهان ادامه مذاکرات صلح در مورد یافتن راه حل نهایی شوند.»

اگر چه این مقاله تا حدودی از لیونی تمجید می کند، و از «بیشرفت هایی» صحبت می کند که وجود خارجی ندارند، (چرا که جلساتی این چنین قبلاً نیز برگزار می شدند) مقاله این متن را نشانه پیروزی اسرائیل می داند. بویژه که لیونی از تصویب یک بیانیه استراتژیکی عملیاتی که به موضع اتحادیه اروپا در مورد کشمکش خاورمیانه اشاره داشت، جلوگیری کرد. این متن را که توسط فرانسه تهیه شده بود، «پس گرفتند.»

شایسته یادآوری است که همه استراتژی فرانسه (و اتحادیه اروپا) در مورد نزدیکی با اسرائیل را با این واقعیت توجیه می کنند که بهبود رابطه به اتحادیه اروپا و نیز فرانسه امکان خواهد داد که بر سیاست اسرائیل اثر بگذارند. کافی است به رخدادهای غزه، گسترش ساختمان شهرک های استعماری، پوگروم های ضد عرب* نگاه کنیم، تا به میزان موفقیت این استراتژی پی ببریم.

در مقابل، اسرائیل با شکست مهمی در پارلمان اروپا مواجه شد. این امتناع پارلمان اروپا اثرات مشخصی بر روی شماری از طرح های همکاری خواهد داشت. به عنوان کنایه یادآوری کنیم که این بار، دو عامل موجب رای منفی پارلمان شد. از یک سو، اعمال فشار برخی کشورهای عرب و از سوی دیگر تکبر و فشارهای اسرائیل که موجب کلافه شدن گروهی از نمایندگان پارلمان اروپا شد.

* پوگروم Pogrom, Pogrome : یک واژه روسی است که «نابودی کامل» معنی می دهد. به سبزه جونی خشن همراه با قتل و آزار به یهودیان در اوایل قرن گذشته در روسیه اطلاق میشد. در این متن آزار شدید و همراه با قتل را تداعی می کند. لوموند دیپلماتیک، ده دسامبر 2008.

<http://ir.mondediplo.com/article1345.html>